تقويم الصلوة
خطى



کتابخانه مجلس شورای ملی

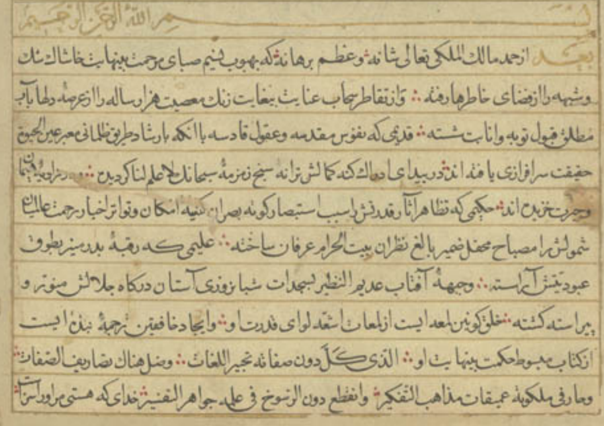
کتاب تقویم الصلوة

مؤلف محمد ط بن ع رضی الدین محمد الحسینی

شماره ثبت کتاب ۶۲۷۹۱

بازدید شد ۱۳۸۲

۴۷۳۱



بسم الله الرحمن الرحیم

بعد از حمد مالک الملکی تعالی شانه و عظم برهانه که بهبوب نسیم صبای مرحمت بی‌نهایت خاشاک شک
و شبهه را از فضای خاطرها رفته ∴ و از تقاطر سحاب عنایت بی‌غایت زنگ معصیت هزار ساله را از عرصهٔ دلها با آب
مطلق قبول توبه و انابت شسته ∴ قدیمی که نفوس مقدسه و عقول قادسه با آنکه بارشاد طریق ظلمانی معبر عین الجموع
حقیقت سرافرازی یافته اند در بیدای ادراک کنه کمالش ترانه سنج زمزمهٔ سبحانک لا علم لنا کردیم ∴ در راه معرفتش
و حیرت خزیده اند حکیمی که تظاهر آثار قدرتش را سبب استبصار کوته بصران تنیه امکان و تواتر اخبار رحمت عالمیان
شمولش را مصباح محفل ضمیر بالغ نظران بیت الحرام عرفان ساخته ∴ علیمی که رقبهٔ بدر منیر بطوق
عبودیتش آراسته ∴ وجبههٔ آفتاب عدیم النظیر بسجدات شبانروزی آستان درگاه جلالش منور و
پیراسته گشته خلق کونین لمعه ایست از لمعات اشعهٔ لوای قدرت او ∴ و ایجاد خافقین ترجمهٔ بندی ایست
از کتاب مبسوط حکمت بی‌نهایت او ∴ الذی کل دون صفاته تحبیر اللغات ∴ وضل هناک تصاریف الصفات
و حار فی ملکوته عمیقات مذاهب التفکیر ∴ وانقطع دون الرسوخ فی علمه جواهر التفسیر خدای که هستی مراو راست

بحر هستی او بقا برفنات ∴ طرازندهٔ پیکر آفتاب ∴ نگارندهٔ نقش مردم بر آب ∴ تعالت نعماؤه و جلت آلاؤه صلوات
صدر آرای محفل کاینات و واسطهٔ آفرینش موجودات ∴ شمع فروزان بزم جلالت ∴ آفتاب درخشان آسمان
رسالت ∴ که نامهر و ماه فروغ از رخش نیند و ختند چراغ نور بنظر وختند ∴ و نا نظر بجمال الجهان آرای محمودش نساختند نبود
با شی قد بنفرا ختند ∴ هلال عید انمل براق آسمان شالش اثری ∴ و پرتو خورشید از شعلات طور جلالش شرری ∴
الذی قد شرف بتشریف مآب قوسین او ادنی ∴ والمزین بزینة فاوحی الی عبده ما اوحی ∴ کجا یا ساحت قدرش مجال
تمثیل است ∴ شهی که پایه تختش مقام جبرئیلست ∴ وال اطهار او سپنا پرده کشای اسرار لاهوت ∴ حلال مشکلات
ناسوت ∴ و الخطه لو اجتمع الناس علی حب علی بن ابی طالب لما خلق الله النار ∴ والمنصوص بنص انما ولیکم الله
من الله الملک الجبار ∴ وصی احمد مرسل که بی محبت او ∴ بروز حشر نگردند انبیا مغفور ∴ علیه من الصلوات اتمها و من
التسلیمات ازکیها ∴ بر ضمیر منیر خورشید نظیر ارباب الباب ∴ و اصحاب معرفت و آداب مخفی نماند که چون اکثر کتب فقهیه
که در فقه تالیف علما اعلام نگاشته ∴ خامهٔ فضلای بلاغت فرجام گشته ∴ بلغت تازی سمت ترتیب یافته ∴ بخاطر
فاتر ابن عاری از طراوت وسوم ظاهر ∴ ابن رضی الدین محمد الحسینی محمد طاهر ∴ رسید که مسایل ضروریه نماز را
بترتیبی جدید در سلک تحریر در آورد ∴ و چون در اکثر مسایل اختلاف میانه علماء دین رضوان الله علیهم اجمعین واقع بود
مبنی بر رای شهید اول و ثانی قدس الله روحیهما گذاشته مشهوری علما را قدوه ساخته ∴ ذریعهٔ تلثیم آستان فلک سان
گرامی گوهر خزانه صنع یزدان ∴ قرة العین دودمان صفوت و امتنان ∴ محفل آرای اورنگ شاهی و شهریاری ∴ و چهره گشای
رخسارهٔ معدلت و بختیاری ∴ فروغ رخسارهٔ نبوت و امامت ∴ ثمر شجرهٔ وصایت و ولایت ∴ پیرایه جمال پادشاهی ∴ مهد
معاد ظل الهی ∴ که بطنطنهٔ جلالش کاخ مناهی بمثابهٔ طاق کسری از ظهور آثار دین محمدی شکست خورده ∴ و سومنات معاصی
در زمان آنکه قدس عزت بخرفنا شده ∴ سرافراز سلطان حسین ∴ آنکه قدرش ∴ بچرخ برین میزند طعن پستی ∴ سلیمان
مکانی که از بیم قهرش ∴ گریزان شد از طینت باده مستی ∴ خلد الله ملکه و سلطانه ∴ و افاض علی العالمین بره
و احسانه ∴ امید که دانشوران اگر بخطائی اطلاع یابند بذیل اصلاح بپوشانند ∴ والله المعین و الیه نستعین ∴
و این کتاب مشتملست بر مقدمه و سه باب و خاتمه اما مقدمه در بیان وجوب و فضیلت نماز و بیان نجاسات

ومطهرات واحکام آبها **باب اول** دربیان مقدمات نماز وآن شش چیز است چنانکه بعد
ازین مذکور میشود **باب دویم** دربیان مقارنات نماز وآن هشت چیز است **باب سیم**
دربیان خللی که در نماز واقع شود وآن مشتمل بر هفت فصل است **فصل اول** دربیان خللی که عمدا
وسهوا نماز را باطل کند **فصل دویم** دربیان خللی که عمدا نماز را باطل کند نه سهوا **فصل سیم** دربیان خللی که نماز را
باطل نکند وتلافی وسجدهٔ سهو لازم نگردد **فصل چهارم** دربیان خللی که تلافی لازم شود بدون سجدهٔ سهو **فصل پنجم**
دربیان خللی که هم تلافی لازم گردد وهم سجدهٔ سهو **فصل ششم** دربیان خللی که سجدهٔ سهو لازم شود بدون تلافی
فصل هفتم دربیان خللی که موجب نماز احتیاط گردد با سجدهٔ سهو یا بی سجدهٔ سهو **خاتمه** دربیان واجبات نمازهای دیگر غیر
نماز یومیه **اما مقدمه** نماز یومیه واجبست بنص واجماع وکسی قایل بخلاف آن نشده وکسی که ترک نماز را حلال داند کافر
ودر گذاردن نماز ثواب عظیمست ودر حدیث بطریق اهل بیت علیهم السلام واقع شده که نماز فریضه بهتر است از بیست
حج وهر حجی بهتر است از خانهٔ که پر از طلا باشد وآنرا در راه خدا تصدق کنند تا همهٔ آن برطرف شود وحدیث دیگر از
اهل بیت وارد است که نزدیک نمیشود بندهٔ بخداوند عالمیان بهیچ چیز بعد از شناختن خدا که افضل از نماز باشد وواجب
نماز بر هر بالغ وعاقلی مگر زن حایض وصاحب نفاس که تا بر آن حالت اند نماز از ایشان ساقط است وشرط است در صحت
نماز اسلام نه در واجب بودن آن یعنی نماز بر کافر نیز واجبست اما اگر او بگذارد صحیح نیست وواجبست پیش از فعل نماز
معرفت خدا وآنچه صحیح است بر آن وآنچه ممتنع است از او وباید معتقد بود بعدل او وحکمت او وباید معتقد بود بنبوت
پیغمبر ما محمد صلی الله علیه وآله وسلم وامامت دوازده امام علیهم السلام واقرار بجمیع آنچه پیغمبر آورده وباید که کل اینها را
بدلیل بداند نه بتقلید پس مکلف بنماز در زمان غیبت معصوم از رعیت دو صنف اند یا مجتهد است ولازم است براو استدلال
بر هر فصلی از افعال نماز ویا مقلد است ومقلد را کافیست فرا گرفتن از مجتهد هر چند بواسطه یا وسایط باشد اما باید که آن واسطه
ووسایط همه عادل باشند پس اگر کسی اعتقاد نداشته باشد بآنچه مذکور شد ومسایل نماز را فرا نگرفته باشد از مجتهد هر چند بواسطه
باشد نماز او صحیح نخواهد بود وچون صحت نماز موقوف بطهارتست لهذا بیان نجاسات ومطهرات واحکام آبها را بر
سایر مسایل مقدم داشته در مقدمهٔ کتاب ذکر نمودیم ونجاسات ده چیز است نزد مؤلف مشهور وبعضی یازده چیز گفته اند

وسبب اختلاف آنست که بعضی شیرهٔ انگور که بجوش آید ودو حصهٔ آن نرفته باشد داخل نجاسات شمرده اند وبعضی نشمرده اند
اما رفتن دو حصهٔ آن را از جملهٔ مطهرات میدانند پس تفصیل موافق ده نجاسات نمودیم تا باعث تشویش نشود ودر آخر شیرهٔ انگور را نیز [illegible] این جدول بیان نجاسات است بعون الله

اول بول	دویم غایط	سیم خون
از هر حیوانی که گوشت او حرام باشد وخون جهنده داشته باشد یعنی اگر رگ او بریده شود خون بجهد	از هر حیوانی که گوشت او حرام باشد وخون جهنده داشته باشد واگر گوشت او حلال باشد غایط او پاکست	از هر حیوانی که رگ جهنده داشته باشد وگفته اند خونی که در عروق گوسفند بعد از فرو رفتن خون ذبح باقی ماند پاکست
چهارم منی	**پنجم میته یعنی مرده**	**ششم سگ**
از هر حیوانی که رگ جهنده داشته باشد خواه گوشت او حلال وخواه حرام باشد که منی او نجس است	از هر حیوانی که رگ جهنده داشته باشد خواه گوشت او حلال وخواه حرام باشد مگر مردهٔ مسلمی که او را غسل داده باشند که او پاک است	وگفته اند سگی که در خشکی میباشد نجس است اما سگی که در آب میباشد پاکست
هفتم خوک	**هشتم کافر**	**نهم هر مست کننده که در اصل روان باشد**
واو نیز نجس است اما خوکی که در خشکی میباشد وخوک آبی را علما گفته اند که پاک است	نجس است خواه ذمی وخواه حربی وخواه اهل کتاب موافق مشهور وبعضی از علما یهود ونصارا را پاک میدانند اما اکثر اینها را نیز نجس میدانند	نجس است مثل شراب وغیره واگر مست کننده باشد که در اصل خشک باشد پاکست هر چند که او را آب داخل کنند وروان شود
دهم بوزه که در دکن مست کننده است	**یازدهم شیرهٔ انگور بعد از جوشیدن وپیش از رفتن دو حصهٔ آن**	
وبوزه را بیشتر از آب جو میسازند وگویا از چیزهای دیگر هم میسازند	وبعضی از علما این را از جملهٔ نجاسات شمرده اند اما رفتن دو حصهٔ آن را از جملهٔ مطهرات میدانند	

جدول در بیان مطهرات وبعضی اینها را ده چیز وبعضی دوازده چیز شمرده اند وبعضی دوازده چیز [illegible] اکثر علما این دوازده چیز را مطهر میدانند

اول آب	دویم زمین	سیم آفتاب
وآن پاک کنندهٔ اکثر نجاستها باشد که قبول پاکی شدن داشته باشد وبعضی از نجاستها پاک نگردد مثل سگ وخوک وکافر	وآن پاک کنندهٔ کفش وکف پا وته موزه است هرگاه بروی زمین راه روند وازالهٔ عین نجاست شود یعنی عین نجاست برطرف شود	وآن حصیر وبوریا وزمین ودرخت وهر چیز را که نقل وتحویل نتوان داد پاک کند اما باید که از تابیدن آفتاب خشک گردد وعین نجاست باقی نماند
چهارم آتش	**پنجم استحاله یعنی از حالی بحالی شدن**	**ششم نقص یعنی کم شدن**
وآتش هر چیز را که بسوزاند وخاکستر یا زغال گرداند پاک گردد واگر گل نجس را خشت سازند وآنرا بپزند که آجر شود [illegible] پاک میدانند	مثل آنکه مردهٔ که خاک شود پاک شود ومنی [illegible] وغیره نجس است اما چون از آن حیوان حاصل شود پاک گردد	مثل آنکه شیرهٔ انگور چون از جوشیدن دو حصهٔ آن برود ویک حصه بماند پاک شود واز جا چون آب [illegible] پاک شود
هفتم انتقال یعنی نقل کردن از جای بجای	**هشتم انقلاب یعنی برگشتن چیزی بچیزی**	**نهم برطرف شدن عین نجاست**
مثل خون آدمی نجس است اما چون بشکم پشه یا کیک یا شپش رود پاک گردد واین را انتقال گویند	مثل شراب که نجس است وچون سرکه شود پاک گردد پس شراب سرکه گشته واین را انقلاب گویند	یعنی اگر حیوانی نجس شود وعین نجاست از او زایل شود پاک گردد خواه آن حیوان از نظر غایب شود [illegible]
دهم مسح جسم پاک	**یازدهم اسلام**	**دوازدهم تبعیت**
وآن در صورتیست که اطراف مخرج غایط آلوده نباشد پس آنرا بمالیدن سه سنگ یا سه کلوخ یا سه پارچه پاک گردد وشستن آن در کار نیست	واز جملهٔ مطهرات اسلامست واسلام بگفتن شهادتین کافر را از نجاست بیرون آورد وپاک گرداند [illegible] اختلاف کرده اند واکثر پاک [illegible]	وتبعیت از جملهٔ مطهرات است مثل آنکه مسلمان طفل کافر را اسیر کند پس آن طفل بتبعیت آن مسلمان پاک گردد

وچون از المذکر شد [illegible] باب میشود لهذا فقیر احکام آبها را بتفصیل ذکر نمودم موافق رای شیخ شهید علیه الرحمه [illegible] آب [illegible] قسم است اول آب مطلق دویم آب مضاف سیم آب اسار و آب مطلق بچهار قسمت اول [illegible] آب ایستاده سیم آب چاه چهارم آب باران و آب ایستاده یا زیاده بر کر است یا بقدر کر یا کمتر از کر و کر در وزن هزار و دویست رطل عراقیست موافق مشهور و رای شیخ شهید [illegible] هر رطلی صد و سی درهم است موافق مشهور و هر درهمی که شده اند بوزن چهل و هشت جو متوسط است یعنی جوی که نه بسیار بزرگ باشد و نه بسیار کوچک بلکه میانه باشد در بزرگی و کوچکی پس هر رطلی شش هزار و دویست و چهل جو متوسط است و یک کر هفت هزار و یکصد و چهل جو متوسط آب [illegible] و آنکه سه وجب و نیم در طول و سه وجب و نیم در عرض و سه وجب و نیم در عمق باشد کر است موافق مشهور و مساحت چهل و دو وجب و هفت ثمن یک وجب است بوجب مستوی الخلقه و درین جدول تعریف آب مطلق و مضاف و اسار شده و بیان حکم هر یک نیز بعد ازین در جدولها خواهد شد

آب مطلق آبیست که در عرف و عادت آنرا آب گویند بی آنکه او را قید کنند بچیزی	و آب مضاف آنست که با اضافه بچیزی گفته شود مثل گلاب و آب لیمو و غیر آن	و آب اسار آب قلیلیست که حیوانی عضوی از اعضای خود را با او رسانیده باشد

جدول در بیان پاکی و پاک کنندگی این سه آب و بیان نجاست و طهارت هر یک

اما آب مطلق در اصل پاک و پاک کننده است اگر نجس نبود که قبول پاک شدن بآب مطلق داشته باشد	و آب مضاف پاک باشد اما پاک کننده نجاست نباشد و پاک کننده نجاست حکمی نیز نباشد موافق مشهور	و آب اسار در پاکی و نجاست و کراهت تابع حیوانیست که با او ملاقات کرده است اگر آن حیوان پاک است و الا فلا

جدول در بیان طریق نجس شدن هر یک ازین سه آب و طریق پاک شدن هر یک

و آب مطلق نجس میشود هرگاه که رنگ یا بو یا مزه آن بنجاست تغیر کند خواه قلیل باشد و خواه کثیر و طریق نجاست و طهارت آن بعد ازین مذکور میشود و اگر قلیل باشد برسیدن نجاست نجس گردد هر چند که تغیر نکند	و آب مضاف برسیدن اندک نجاستی نجس میشود خواه بقدر کر یا زیاده بر کر یا کمتر از کر باشد و پاک میشود هرگاه که متصل شود به آب کثیر مطلق و آب مطلق شود	و آب اسار اگر سور حیوان نجس باشد نجس است و اگر سور حیوان پاک باشد حکم آب قلیل مطلق دارد که برسیدن نجاست نجس گردد و چون بآب کثیر مطلق ملاقات کند پاک گردد

جدول در بیان اقسام آب مطلق و طریق نجس شدن و پاک شدن هر یک از آنها

و آب جاری آبیرا گویند که از زمین بجوشد غیر آب چاه	و آب ایستاده یا کر است و زیاده بر آن یا کمتر از کر و بیان حکم هر دو شد		و آب باران یا در باریدنست یا ایستاده و بیان حکم هر دو شد		و حکم آب چاه غیر حکم آبهای دیگر است
نجس میشود هرگاه که رنگ یا بو یا مزه آن بنجاست تغیر کند خواه روان باشد و خواه ایستاده و برسیدن نجاست نجس نگردد هر چند که کمتر از کر باشد موافق مشهور و پاک میشود آب جاری هرگاه که تغیر او برطرف گردد خواه خود بخود تغیر او برطرف شود و خواه بسبب امر خارج و اگر رنگ یا بو یا مزه آب خود بخود برگردد دم که از آب مطلق گویند پاک و پاک کننده باشد	اگر کر یا زیاده بر کر باشد تا رنگ یا بو یا مزه آن بنجاست تغیر نکند نجس نگردد و پاک شود هرگاه که تغیر او برطرف شود و [illegible] بطرف شدن تغیر [illegible] از ملاقات کر باشد [illegible]	و اگر کمتر از کر باشد برسیدن نجاست نجس شود هر چند که رنگ یا بو یا مزه آن بنجاست تغیر نکرده باشد و پاک میشود هرگاه که ملاقات کند یک کر یا [illegible] متصل با آب جاری کرده بحیثیتی که از آن القا گویند	اگر در باریدن باشد حکم آب جاری دارد که تا بو یا مزه یا رنگ آن متغیر بنجاست نشود نجس نگردد و پاک میشود هرگاه که تغیر او برطرف گردد خواه بباریدن باران و خواه بچیز دیگر	و اگر ایستاده باشد اگر آب جمع شده آن بقدر کر یا زیاده بر کر باشد حکم آب کر دارد و اگر کمتر از کر باشد حکم آب کم از کر دارد و در پاکی نیز حکم آب کر نجس یا آب کمتر از کر نجس دارد هر دو بیش ازین [illegible]	و در نجس شدن آب چاه برسیدن نجاست خلاف کرده اند آنچه مشهور است آنست که آب چاه برسیدن نجاست نجس میشود هر چند بقدر کر یا زیاده بر کر باشد و چون قدر معینی که از برای هر نجاستی مقرر فرموده اند کشیده شود پاک گردد و بیان حکم آب چاه بعد ازین بتفصیل خواهد شد

جدول در بیان حکم آب چاه و آن چنانست که از برای هر نجاستی معین کرده اند که چه قدر آب باید کشید تا چاه پاک گردد و چون آن قدر آب بکشند چاه پاک شود و از برای بعضی از نجاستها که معین نشده که چه قدر آب باید کشید تا چاه پاک شود اکثر علما برآنند که تمام آب چاه را باید کشید پس اگر چاهی باشد که هر چند آب از آن بکشند تمام نشود باید که چهار مرد تراوح کنند یعنی دو مرد آب بکشند تا مانده شوند و دو مرد دیگر بیایند و آب بکشند تا مانده شوند و بعد از آن باز آن دو مرد اول آب بکشند و همچنین آب بکشند یک روز تمام از طلوع آفتاب تا غروب تا چاه پاک گردد و اگر آب چاه متغیر شود بنجاستی که او را مقدری باشد پس اگر در اثنای کشیدن آب مقدر تغیر او برطرف شود باید که آب مقدر را بکشند و هنوز تغیر باقی باشد آنقدر آب بکشند که تغیر او برطرف گردد و حیواناتی که بعد ازین در جدول مذکور میشود که اگر در چاه افتد فلان قدر آب باید کشید در صورتیست که آن حیوان در چاه بمیرد و اگر زنده بیرون آید آب حکم نجاست ندارد و بچه هر حیوانی حکم بزرگ آن دارد در کشیدن آب چاه

اگر شتر در چاه افتد و بمیرد	اگر گاو نر در چاه افتد و بمیرد	اگر شراب در چاه بریزد هر چند اندک باشد
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید
اگر مست کننده که در اصل روان باشد بچاه بریزد	اگر بوزه در چاه بریزد	اگر خون حیض یا نفاس در چاه بریزد
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید
اگر خون استحاضه در چاه بریزد	اگر منی در چاه بریزد و این در همه جنس انسان مشهور است	اگر خر در چاه افتد و بمیرد و بعضی استر را نیز گفته اند
تمام آب چاه را باید کشید	تمام آب چاه را باید کشید	بقدر یک کر آب باید کشید
اگر گاو ماده در چاه افتد و بمیرد	اگر اسب در چاه افتد و بمیرد	اگر خون بسیار مثل خون ذبح گوسفند در چاه بریزد
بقدر یک کر آب باید کشید	بقدر یک کر آب باید کشید	پنجاه دلو آب باید کشید
اگر غایط تر در چاه افتد	اگر انسانی در چاه افتد و بمیرد	اگر خرگوش در چاه افتد و بمیرد
پنجاه دلو آب باید کشید	هفتاد دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید
اگر گوسفند در چاه افتد و بمیرد	اگر روباه در چاه افتد و بمیرد	اگر سگ در چاه افتد و بمیرد
چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید
اگر گربه در چاه افتد و بمیرد	اگر خوک در چاه افتد و بمیرد	اگر آب باران ممزوج بول و عذره و فضله سگ در چاه بریزد
چهل دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید	سی دلو آب باید کشید
و اگر عذره خشک در چاه افتد و از هم نپاشد	اگر بول مرد در چاه بریزد	و اگر کبوتر و آنچه در جثه از او بزرگ تر باشد [illegible] افتد و بمیرد
ده دلو آب باید کشید	چهل دلو آب باید کشید	هفت دلو آب باید کشید
و اگر موش در چاه افتد و بمیرد و باد کند	اگر بول پسر کوچک که از دو سال زیاده و بالغ نشده باشد [illegible]	اگر جنب که بدنش خالی از نجاست عینی باشد در چاه غسل کند
هفت دلو آب باید کشید	هفت دلو آب باید کشید	هفت دلو آب باید کشید
اگر سگ در چاه افتد و زنده بیرون آید	اگر فضله مرغ نجاست خوار در چاه افتد	و اگر خون کم مثل خون ذبح کبوتر در چاه بریزد
هفت دلو آب باید کشید	پنج دلو آب باید کشید	ده دلو آب باید کشید
و اگر مار در چاه افتد و بمیرد	اگر گنجشک و آنچه از گنجشک کوچکتر باشد در چاه افتد و بمیرد	اگر موش در چاه افتد و بمیرد و باد نکرده باشد
سه دلو آب باید کشید	یک دلو آب باید کشید	سه دلو آب باید کشید

و شیخ شهید علیه الرحمه در کتابهای دیگر خود گفته که از برای استر نیز یک کر آب باید کشید	و فقها گفته اند که اگر بول پسر شیرخواره که اکثر غذای او شیر باشد در چاه بریزد یک دلو آب باید کشید

وان جمله نجاستها بعضی بیک شستن پاک کردد و بعضی را دو مرتبه باید شست تا پاک کردد و بعضی را سه بار باید شست و بعضی را [؟] بخاک باید مالید و دو بار باب باید شست و بعضی را هفت مرتبه باید شست تا پاک کردد و بیان هر یک از آنها در این جدول مذکور شده

نجاستی که بیک شستن پاک کردد	نجاستی که دو بار باید شست	نجاستی که سه مرتبه باید شست	نجاستی که اول بخاک باید مالید و دو بار باید شستن تا پاک شود	نجاستی که هفت بار باید شست
وان بول پسر شیرخواره است که اگر بدن یا جامه بان نجس شود و خواهند که او را باب قلیل طهارت دهند یک آب بجهت [؟] کردد و جامه را احتیاج بعصر [؟]	وآن در صورتیست که جامه یا بدن ببول غیر شیرخواره نجس شود و خواهند که او را باب قلیل طهارت دهند یکبار آب باید ریخت و فشرد و بار دیگر آب بریزند تا پاک کردد و اگر بدن باشد دو بار آب باید ریخت	وآن میت است که سه مرتبه غسل باید داد یکبار باب سدر و یکبار باب کافور و یکبار باب خالص پاک و غسل میت مثل غسل جنابت که هر غسل [؟] و هم ارتماسی توان داد	وان در صورتیست که سک ظرفی را بلیسد و خواهند که او را باب قلیل طهارت دهند اول او را بخاک باید مالید و دو مرتبه باب باید شست و باب کثیر یکبار باید شست بعد از آنکه یکبار بخاک مالیده باشد	وان در صورتیست که خوک ظرفی را بلیسد و خواهند که او را باب قلیل طهارت دهند و همچنین اگر ظرفی از شراب نجس شود و موش در آن بمیرد این حکم دارد و بعضی هفت مرتبه شستن را است میدانند

وان جمله نجاستها پنج نجاست که در نماز معفو اند و شستن آنها از برای نماز در کار نیست و در این جدول بیان آنها شده

اول	دویم	سیم	چهارم	پنجم
کسی که جراحت یا دمل یا قرحه داشته باشد که خون از آن روان باشد و نه ایستد با آن خون نماز میتوان کرد تا وقتی که آن دمل یا جراحت بر شود و احتیاج بستن آن نیست هر چند که آن خون زیاده بر درهم بغلی باشد	خونی که کمتر از درهم بغلی باشد با آن خون نماز میتوان کرد و درهم بغلی را گفته اند مقدار بند بالای انگشت [؟] است و بعضی گفته اند معادل کودی کف دست و باید که آن خون غیر خون حیض و استحاضه و نفاس باشد و بعضی گفته اند که خون سک و خون خوک و [؟] همچنین است خون [؟] که مذکور شد	زنی که تربیت طفل نماید و او را بغیر یک جامه نباشد و آن جامه ببول و غایط آن طفل نجس شود نماز در آن جامه صحیح است اما باید که در هر شبانه روزی یکبار آن جامه را بشوید و گفته اند که افضل آنست که نماز ظهر و عصر را در آخر وقت ادا کند و جامه را طهارت دهد [؟] نماز را در جامه پاک بجا آورد	جامه که بها لا یتم الصلوة باشد یعنی تنهائی عورت را نپوشاند مثل بند تنبان و بند جوراب و عرقچین و غیره اگر نجس باشد نماز با آن میتوان کرد و گفته اند هر چند که آن بخون حیض و استحاضه و غیره نجس شده باشد نماز صحیح است	هر نجاستی که ازاله آن متعذر باشد نماز با آن میتوان کرد مثل اگر کسی را یک جامه باشد و آن نجس شده باشد و آب نیابد که آن را بشوید و سرما [؟] باشد که برهنه نماز نتواند کرد با آن جامه اگر نماز کند نماز او صحیح باشد

در بیان حکم آب مضاف و مضاف الیه حکم محل دارد پیش از آنکه او را بشویند یعنی هر گاه که چیز نجسی را بشویند آبی که از شستن اول جدا شود اگر از آن ببدن یا جامه [؟] از دو بار باید شست و اگر آبی باشد که بعد از شستن دویم جدا شود و ببدن یا جامه برسد از یکبار باید شست و این موافق قول شیخ شهید علیه الرحمة است

در بیان حکم آبی که بان وضو ساخته شده و آبی که آن را در وضو استعمال کرده باشند هم پاک است و هم پاک کننده یعنی مرتبه دیگر با آن وضو میتوان کرد و ازاله نجاست نیز بآن میتوان نمود

در بیان حکم آب استنجا و آب استنجا آبی که بان موضع غایط را شسته باشد و آب استنجا پاک است هر گاه که متغیر بنجاست نشده باشد و ملاقی نجاستی خارج نکرده باشد و نجاستی از خارج بعد از خروج [؟]

در بیان حکم آبی که بان غسل کرده باشند و آب قلیلی که آن را در غسل استعمال کرده باشند پاک است بشرط آنکه پیش از آن ازاله نجاست از بدن کرده باشد و اما بار دیگر با آن آب رفع حدث میتوان کرد و در آن خلافست و احوط آنست که بار دیگر با آن رفع حدث نتوان کرد برای [؟] و این مسئله در کتب [؟] مذکور است والله اعلم

در بیان حکم آب مشتبه بنجس اگر کسی را دو ظرف آب باشد و یکی از آنها نجس شود و بر او مشتبه شود و نداند که کدام ظرف نجس و کدام پاک است واجبست که از هیچ کدام وضو نسازد و اگر غیر از آن دو آب آب دیگر نداشته باشد باید که تیمم کند و وضو به هیچ یک از آنها نسازد

در بیان حکم آب مشتبه بمضاف و اگر دو آب باشد یکی مطلق و یکی مضاف و مشتبه شود گفته اند باید که از هر یک وضوئی علیحده باید ساخت تا وضوی او یکی از این دو وضو صحیح خواهد بود تمام شد احکام آبها و بعد از این بیان نمازهای واجب و بیان مقدمات نماز خواهد شد بتوفیق الله تعالی

واما نماز

واما نماز یا واجب است یا سنت و در این جا بیان نمازهای واجب میشود و اقسام نماز واجب هشت است چنانکه در این جدول بیان شده

اول	دویم	سیم	چهارم
نماز پنجگانه شبانه روزی که نماز صبح و ظهر و عصر و شام و خفتن است	نماز دو رکعتی روز جمعه که آن نماز در روز جمعه بجای نماز پیشین است	نماز عیدین که روز عید ماه مبارک رمضان و روز عید قربانست	نماز آیات یعنی گرفتن آفتاب و ماه و زلزله و بادهای سرخ و سیاه و هر آیتی که باعث ترس باشد
پنجم	**ششم**	**هفتم**	**هشتم**
نماز طواف خانه خدا و آن دو رکعت نماز است و بعد از این بتفصیل مذکور میشود	نماز میت و شروط و واجبات آن نیز بعد از این بتفصیل بیان خواهد شد	نماز نذر مثل آنکه کسی نذر کند که دو رکعت نماز بجا آورد و لازم کند که آن را بجا آورد	نماز شبیه نذر مثل نمازی که بعهد یا بقسم لازم کرده باشد یا نمازی که [؟] اجاره کند یا نمازی که از پدر فوت شود و بر پسر قضای آن لازم گردد

واجباتی که تعلق بنماز دارد بر دو قسم است یا واجب است یا سنت و در اینجا بیان واجبات میشود باب اول در بیان مقدمات نماز یعنی چیزی چند که پیش از نماز بجا باید آورد تا نماز صحیح باشد و آنها شش چیز اند چنانکه مجملا در این جدول بیان آنها شده است

اول	دویم	سیم
طهارت و طهارت اسم است از برای چیزی که سبب صحت نماز [؟] از وضو و غسل و تیمم	بطرف کردن نجاستان از بدن و جامه و جای نماز و اقسام نجاسات و طریق ازاله آنها از بدن و جامه بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله	پوشانیدن مردان عورتین را و پوشانیدن زنان جمیع بدن را بغیر رو و کف دستها و پشت پاها و احکام لباس نیز مذکور خواهد شد
چهارم	**پنجم**	**ششم**
رعایت کردن وقت که هر نمازی را در وقت آن بجا آوردن و بیان وقت نمازها بعد از این خواهد شد انشاء الله	رعایت مکان یعنی مکانی که در آن نماز کند باید که مکانی باشد که نماز کردن در آن صحیح باشد چنانکه بعد از این بیان خواهد شد	رعایت قبله کردن یعنی باید که جهت قبله را معلوم کند اگر معلوم نباشد و در وقت نماز استقبال آن کند چنانکه بیان خواهد شد

مقدمه اول در بیان طهارت که آن وضو و غسل و تیمم است و موجبات وضو و غسل چهارده چیز اند یعنی این چهارده چیز باعث وضو ساختن یا غسل کردن میشوند و از آن جمله هشت چیز باعث وضو ساختن میگردد و [؟] چیز باعث وضو و غسل باشد و بعضی باعث غسل کردن گردد چنانکه هر یک از این جدول معلوم میشود

جدول در بیان چیزهائی که باعث وضو ساختن میشود

اول	دویم	سیم	چهارم
بول که از موضع معتاد بود یا غیر موضع معتاد که موضع معتاد شود چنانکه فقها ذکر کرده اند	غایط که از موضع معتاد بود و او نیز مثل بولست که اگر غیر موضع معتاد موضع معتاد شود همان حکم دارد	بادی که از موضع معتاد بود و اگر موضع معتاد در غیر موضع معتاد واقع شده باشد حکم موضع معتاد دارد [؟]	خوابی که غلبه کند بر چشم و گوش اگر بینا و شنوا باشد و الا آنقدر خواب که بینا و شنوا را [؟] ناقض وضو باشد
پنجم	**ششم**	**هفتم**	**هشتم**
هر چیز که عقل را زایل کند خواه مستی باشد و خواه بیهوشی و خواه دیوانگی	استحاضه قلیله و استحاضه قلیله آنست که خون پنبه را آلوده کند اما آن را فرو نگیرد و از دو طرف نگذرد	یقین در حدث و شک در وضو یعنی یقین داند که حدث از وی سر زده است و شک داشته باشد در ساختن وضو	یقین در حدث و وضو و شک در آنکه کدام آخر بود یعنی یقین داند که حدث از وی سر زده و یقین داند که وضو ساخته اما نداند که کدام آخر واقع شده

در بیان چیزهایی که باعث وضو ساختن و غسل میشوند

اول	دویم	سیم	چهارم
حیض واقل آن سه روز است واکثر آن ده روز و خون کمتر از سه روز حیض نباشد و خونی که از ده روز بگذرد آن زیادتی حیض نباشد	نفاس و آن خونیست که با ولادت آید یا بعد از آن و پیش از ولادت نفاس نباشد واقل آن لحظه ایست واکثر آن ده روز بقول مشهور	استحاضهٔ متوسطه وکثیره و استحاضهٔ متوسطه آنست که خون پنبه را فرو گیرد و از وی روان نگردد وکثیره آنست که از پنبه در گذرد	رسانیدن عضوی از اعضا را بمیت آدمی هرگاه نجس باشد یعنی بعد از سرد شدن باشد و او را غسل نداده باشد غیر شهید که آن پاک است

در بیان چیزهایی که باعث غسل شوند: اول	دویم	در بیان موجبات تیمم یعنی اموری که باعث تیمم میشوند	جدول در بیان چیزی چند که سبب وضو و غسل و تیمم میشود غیر از چیزهایی که ...
جنابت و آن وضو را باطل کند اما موجب غسل باشد تنها و سبب آن دو چیز است یکی انزال منی خواه در خواب و خواه در بیداری دویم پنهان شدن حشفه در قبل یا دبر و فقها در دبر خلاف کرده اند	موت یعنی هرگاه کسی بمیرد و مسلمان باشد یا در حکم مسلمان واجبست که او را غسل بدهند مگر شهید که او را غسل نباید داد	و هر چیزی که سبب وضو ساختن یا غسل کردن گردد باعث تیمم نیز میگردد اما در صورتی که وضو ساختن یا غسل کردن معذور نباشد پس آن چهار چیز که سبب وضو و غسل اند سبب تیمم میشوند و نیز هرگاه وضو ساختن یا غسل کردن متعذر	وگاه هست که واجب میشود وضو یا غسل یا تیمم بسبب نذر یا عهد یا قسم یا کسی عبادتی مستحبی را اجاره کرده باشد یا ... نماز قضا شده باشد و بر ولی بجا آوردن آن واجب گردد پس بسبب هر یک ازین امور وضو یا غسل یا تیمم واجب کرده

در بیان اموری که وضو یا غسل یا تیمم از برای آنها باید کرد و آنها سه چیزند چنانکه درین جدول بیان شده

اول	دویم	سیم
نماز که طهارت شرط صحت آنست مگر نماز میت که آنرا بی طهارت میتوان کرد با وجود جنابت و حیض	طواف خانهٔ کعبه که آنرا بی طهارت نمیتوان کرد مگر طواف سنت که آنرا بی وضو میتوان کرد	رسانیدن عضوی از اعضا را بخط مصحف که آنرا نیز بی طهارت مس نمیتوان کرد

در بیان اموری که از برای آنها غسل باید کرد و اگر غسل کردن معذور باشد تیمم باید کرد و وضو را درین سه صورت دخلی نیست

اول	دویم	سیم
اگر کسی جنب باشد یا زن حیض یا نفاس باشد و غسل نکرده باشد و خواهد که داخل مسجد مکه یا مدینه گردد واجبست که غسل کند تا داخل مسجد تواند شد و همچنین اگر زن استحاضهٔ متوسطه یا کثیره داشته باشد و غسل اخلال کرده باشد	هرگاه جنب یا حایض یا زنی که صاحب نفاس باشد یا زنی که استحاضه داشته باشد و غسل نکرده باشد و خواهد در مسجدی مکث نماید هر مسجدی که باشد غیر مسجد مکه و مدینه باید که غسل کند و اگر غسل کردن معذور باشد تیمم کند تا مکث در مسجد تواند نمود	هرگاه جنب یا حایض یا زنی که صاحب نفاس باشد یا استحاضه داشته باشد و خواهد که سورهٔ عزیمه بخواند یعنی سوره که سجدهٔ واجب دارد یا خواهد که بعضی آن سوره ها بخواند اگر چند کلمه باشد باید که غسل کند و اگر غسل کردن معذور باشد تیمم کند ... و اگر بعضی آن سوره خواهد که بخواند باید که غسل کند

جایی که مخصوص بغسل است و وضو و تیمم را دخلی نیست	جایی که مخصوص بتیمم است و وضو و غسل را دخلی نیست
و آن در صورتیست که جنب یا حایض یا صاحب نفاس باشد یا زنی که استحاضهٔ متوسطه یا کثیره داشته باشد و خواهد که روزه بگیرد باید که پیش از صبح غسل کند و اگر غسل کردن معذور باشد تیمم کردن بدل از غسل واجب نیست و شیخ علیه الرحمه میگوید ... و اولی آنست که تیمم کند هرگاه که غسل کردن معذور نباشد	و آن در صورتیست که جنب یا حایض خواهد که از مسجد مکه یا مسجد مدینه بیرون آید باید که تیمم کند و بیرون آید مثل آنکه کسی در یکی از آن دو مسجد بخواب رود و محتلم شود یا زنی در یکی از آن دو مسجد حایض شود باید که تیمم کند و بیرون آید

مقدمهٔ اول نماز در بیان طهارت که آن اسم است برای وضو و غسل و تیمم است و واجبات وضو دوازده چیز است

اول نیت است و باید که نیت مقارن شستن ابتدای رو باشد و بحکم نیت بودن تا فارغ شدن از وضو	دویم شستن رو از رستنگاه موی سر تا ذقن در طول و در عرض آنچه شست و انگشت میانی فرو گیرد و واجبست در شستن رو از بالا بزیر آید	سیم شستن دستها و باید که از آرنج شروع کرده تا سر انگشتان بشوید و اول دست راست بشوید بعد از آن چپ ...
چهارم مسح کشیدن بر موی پیش سر یا بشرهٔ آن ببقیهٔ تری آب وضو و مسح کشیدن سر بقدر یک انگشت هم اگر باشد کافیست و جایز است مسح سر کردن از پایین ببالا	پنجم مسح بشرهٔ پاهاست از سر انگشتان تا بند پا ... ببقیهٔ تری آب وضو ...	ششم واجبست ترتیب که اول رو بشوید و بعد از آن دست راست و بعد از آن چپ و بعد از آن مسح سر کند و بعد از آن مسح پاها ...
هفتم موالات و آن عبارتست از پی در پی کردن افعال وضو ... تا اعضای پیشین خشک نشود ...	هشتم واجبست که خود افعال وضو را بجا آورد و اگر کسی دیگر او را وضو دهد وضو باطل گردد مگر آنکه او را عذری باشد مثل آنکه دستهای او شل باشد	نهم باید که آب وضو پاک باشد و هم پاک کننده و گلاب و عرق اگرچه پاک اند اما پاک کننده نیستند و باید که اعضای وضو نیز پاک باشند
دهم باید که آب وضو مباح باشد که اگر وضو با آب غصبی بسازد و داند که آن آب غصبی است وضو باطل گردد	یازدهم واجبست که آب را بر اعضا بکشد یا بشستن جاری کند که اگر دست تر کند و بر اعضا بمالد وضو باطل گردد واما در مسح دست تر کشیدن کافیست	دوازدهم باید مکانی که در وقت وضو بر آن قرار گیرد مباح باشد که اگر وضو بسازد در مکان غصبی و داند که آن مکان غصبیست ... وضو باطل ...

جدول دویم در بیان غسل و واجبات آن دوازده چیز است

اول نیت و باید که نیت مقارن باشد بشستن جزئی از سر ...	دویم شستن سر و گردن است و آنچه از گوشها ظاهر است و رسانیدن آب بپوست و موی ... که مانع باشد	سیم شستن جانب راست و تا فرا باهم طرفی که خواهد بشوید
چهارم شستن جانب چپ و عورتین را با هر طرفی که خواهد بشوید و بهتر آنست که با هر دو طرف بشوید	پنجم واجبست حرکت دادن چیزی که مانع باشد از رسیدن آب بپوست در هر عضوی که باشد مثل انگشتر و غیره	ششم حدث در اثنای غسل نکند ... حدث اصغر ... حدث اکبر
هفتم باید که خود افعال غسل را بجا آورد ... و اگر عاجز باشد جایز است که کسی دیگر او را غسل دهد	هشتم ترتیب چنانکه مذکور شد ... در پی شستن اعضا در غسل ترتیبی در کار نیست	نهم باید که آب غسل پاک باشد و مضاف نباشد و باید که اعضای غسل پاک باشند
دهم باید که آب غسل مباح باشد که اگر غسل کند با آب غصبی و داند که آن آب غصبی است غسل باطل گردد	یازدهم باید که آب را بر اعضا جاری سازد که اگر دست تر کند و بر اعضا بمالد غسل باطل گردد	دوازدهم باید که مکان غسل مباح باشد ... در عضوی شک کند ...

جدول سیم در بیان تیمم و واجبات آن دوازده چیز است

اول نیت و باید که مقارن زدن دستها بر زمین نیت کند و بحکم نیت باشد تا فارغ شدن از تیمم	دویم باید که کف هر دو دست را بر زمین زند اگر قادر باشد و اگر عاجز باشد پشت دستها را بر زمین زند	سیم مسح پیشانی باید از رستنگاه موی سر تا طرف بالای بینی و اگر تا طرف پایین جبهه را مسح کند اولاست
چهارم مسح پشت دست راست نماید بکف دست چپ از بند دست تا سر انگشتان	پنجم مسح پشت دست چپ نماید بکف دست راست از بند دست تا سر انگشتان	ششم هر چیزی که مانع باشد ... کند مثل انگشتر و زهگیر و غیره
هفتم موالات یعنی باید که افعال تیمم را پی در پی بجا آورد و در میان آنها فاصله نکند	هشتم ترتیب که اول دستها را بر زمین زند و بعد از آن مسح پیشانی کند و بعد از آن مسح دست راست و بعد از آن دست چپ	نهم خاکی که بر آن تیمم میکند باید که پاک باشد و اعضای تیمم هم پاک باشند ...
دهم باید که خاکی که بر آن تیمم میکند مباح باشد که اگر داند که خاک غصبی است و تیمم کند تیمم باطل گردد	یازدهم مکانی که در وقت تیمم بر آن قرار میگیرد باید که مباح باشد چنانکه در وضو گذشت	دوازدهم مسح جبهه بکف هر دو دست باهم نماید و مسح هر دستی بکف آن دیگری نماید ...

و اگر کسی شک کند در عضوی در اثنای تیمم برگردد بآن عضو که شک کرده ... [illegible]

مقدمهٔ دویم نماز در برطرف کردن نجاسات از بدن و جامه است و واجبات آن ... و احکام بیت الخلا است ... چنانکه درین جدول

اول	دویم	سیم	چهارم	پنجم
واجبست ازالهٔ نجاسات ... از بدن و جامه از برای نماز بآب پاک و پاک کنند چنانکه در مقدمهٔ کتاب مذکور شد	واجبست فرو بردن جامه هرگاه که آنرا در غیر آب کثیر بشویند در صورتی که ببول آدمی نجس شده باشد چنانکه مذکور شد	واجبست عدد شستنها یعنی بعضی را یکبار شستن کافیست و بعضی را دوبار ... سه مرتبه چنانکه پیشتر مذکور شد	واجبست بکسی که ببیت الخلا رود ... پوشاند و گفته اند که عورت را ... و پوشانیدن از طفل غیر ممیز لازم نیست	واجبست انحراف از قبله یعنی نباید رو بقبله و پشت بقبله در بیت الخلا نشیند ...

مقدمهٔ سیم نماز در بیان پوشیدن عورت و لباس نمازگذار است و واجبات آن هشت چیز است چنانکه درین جدول بیان شده

اول	دویم	سیم	چهارم
واجبست بر مرد که در نماز عورتین را بپوشاند خواه نامحرمی باشد و خواه نباشد و هر چند که در خانهٔ تاریک و تنها نماز کند و گفته اند مراد از عورت قبل و دبر و خصیه است	واجبست بر زن و خنثی که جمیع بدن را در نماز بپوشاند بغیر رو و کف دستها و پشت پاها و اگر زن برده باشد پوشیدن سر واجب نیست ...	واجبست در ساتر که پاک باشد مگر آن پنج صورت که در مقدمهٔ کتاب مذکور شد که نجاستهای بخشیده شده است و با آن نماز میتوان کرد	واجبست که پوست میته نباشد و بعضی گفته اند که اگر پوست میته را دباغی کنند پاک میگردد اما همه قایل اند که با آن نماز نمیتوان کرد

پنجم	ششم	هفتم	هشتم
پوست و پشم و موی ... حیوانی که گوشت او حرام باشد ... مگر خز خالص و سنجاب که با وجود آنکه گوشت آنها حرام است نماز در پوست آنها جایز است	باید که ساتر غصبی نباشد که نماز در جامهٔ غصبی جایز نیست و محقق گفته که اگر صاحب جامه اذن دهد غیر غاصب را یا غاصب را با وجود غصبیت نماز در آن صحیحست	باید که لباس مرد و خنثی ابریشم خالص نباشد مگر در روز جنگ یا از برای ضرورت ... و باید که لباس مرد و خنثی طلا نباشد ... نماز در ابریشم خالص و طلا تجویز کرده اند	چیزی که پشت پا را بپوشاند باید که ساق داشته باشد ... و گفته اند که نماز در چیزی که پشت پا را بپوشاند و ساق نداشته باشد جایز نیست

مقدمهٔ چهارم در بیان رعایت وقت و در بیان وقت پنج نماز یومیه میشود چنانکه در جدول است

اول وقت نماز پیشین	اول وقت نماز دیگر	اول وقت نماز شام	اول وقت نماز خفتن	اول وقت نماز صبح
وقت زوال است و زوال ظاهر شدن سایه بطرف مشرق ... نماز مغرب بقدر نماز ظهر	وقتیست که از نماز ظهر فارغ شوند و آخر وقت آن وقتیست که وقت نماز مغرب داخل شود یعنی آفتاب غروب کند	وقتیست که سرخی طرف مشرق بگذرد و آخر وقت آن وقتیست که بنصف شب مقدار نماز خفتن باقی ماند	وقتیست که از نماز شام فارغ شوند و آخر وقت آن نصف شب است که اگر نصف شب بگذرد ... قضا باید کرد	طلوع صبح صادق است که صبح دویم نیز گویند و آخر وقت نماز صبح طلوع آفتاب است که چون آفتاب طلوع کند نماز صبح قضا گردد

مقدمهٔ پنجم رعایت مکان نماز است و در آن سه چیز واجبست چنانکه درین جدول بیان شده

اول	دویم	سیم
اگر غصبی باشد که نماز در مکان غصبی درست نیست مگر اگر غصبیت از او پنهان باشد ... اما در غاصب خلافست ... با وجود اذن مالک صحیحست	باید که نجس نباشد اگر محل سجده باشد و مکان سایر اعضا اگر نجس باشد باید که نجاستش سرایت بمصلی و لباس او نکند ... محل سجده باید مطلقا پاک باشد و سایر اعضا باید که نجاست سرایت نکند	محل سجده باید که زمین باشد یا چیزی که از زمین روید اما باید که عادة خوردنی و پوشیدنی نباشد

مقدمهٔ ششم نماز رعایت قبله است و در آن سه چیز معتبر است چنانکه درین جدول بیان شده

اول	دویم	سیم
باید که نمازگذار متوجه قبله شود اگر علم بآن داشته باشد و اگر علم نداشته باشد باید که بعلامات جهت قبله معلوم کند و علامات بعضی از بلاد در جدول بعد ازین مذکور میشود	هرگاه که علامات مفقود شوند مثل آنکه ابر باشد که ستارها نمایان نباشند باید که تقلید کند و گفته اند باید که تقلید عادلی کند که دانا باشد بعلامات خواه مرد باشد و خواه زن	باید که هر یک از نمازها را بچهار طرف بکند اگر جهت قبله را نداند و اگر وقت تنگ باشد ... بچهار طرف نماز کردن دگر واجب نیست

جدول در بیان علامات قبلهٔ چند بلد که در الفیه مذکور است و آنها درین سه جدول بیان شده

علامت قبلهٔ اهل عراق	علامت قبلهٔ اهل شام	علامت قبلهٔ اهل مغرب
آنست که جدی را در وقت ارتفاع یا در وقتی که در غایت پستی باشد پس دوش راست گیرند و مغرب را بطرف راست و مشرق را بطرف چپ و مقابل عراق عکس این کنند	آنست که طلوع سهیل را میان چشمها و جدی را بر کتف چپ و غایب شدن بنات النعش را بر گوش راست گیرند و اهل یمن عکس این کنند	آنست که ثریا را بطرف راست و عیوق را بطرف چپ و گفته اند که ثریا و عیوق را در وقت طلوعشان بطرف راست و چپ گیرند و اهل مشرق عکس این کنند

پس این شش واجبست که مقدمات نماز است خواه که در سفر باشد و خواه در حضر که این شش چیز واجب اند در سفر و حضر تفاوت نکنند اگرچه بعضی از آنها بدل اند از بعضی دیگر مثل تیمم که بدلست از وضو و غسل پس اگر کسی بسبب ضرورتی تیمم کند بدل از غسل واجبات غسل ساقط گردد و همچنین وضو

جدول در بیان احکام نماز مسافر و شروطی که باعث قصر نماز میشود

بدانکه سفر باعث قصر نماز میشود بچند شرط که بعد ازین مذکور میشود و قصر یعنی دو رکعت کردن نمازهای چهار رکعتی که آن نماز ظهر و عصر و خفتن است و نماز صبح و شام در سفر و حضر تفاوت نکند و سفر هرگاه که تمام وقت نماز را فرو گیرد نماز را قصر باید کرد خواه نماز ادا باشد و خواه قضا پس اگر وقت نماز داخل شود و کسی هنوز بسفر نرفته باشد و مقدار طهارت و نماز تمام بگذرد باید که نماز را تمام بگذارد هر چند که بعد از آن بسفر رود و همچنین ... بوطن باز آید و از وقت مقدار طهارت و یک رکعت نماز باقی مانده باشد باید که نماز را تمام کند و اگر نماز در حضر قضا شده باشد و در سفر قضای آن را بجا آورد باید که نماز را تمام کند و اگر در سفر قضا شده باشد و در حضر قضای آنرا بجا آورد باید که قصر کند و سفر باعث قصر نماز است در غیر چهار موضع اول مسجد مکه دویم مسجد مدینه سیم مسجد کوفه چهارم حایر کربلای معلی پس در غیر این چهار موضع قصر نماز واجبست و شرطهای قصر نماز پنج است چنانکه درین جدول بیان هر یک از آنها میشود ان شاء الله تعالی

شرط اول	شرط دویم	شرط سیوم	شرط چهارم	شرط پنجم
قصد مسافت است و آن هشت فرسخ شرعی است پس اگر کسی قصد رفتن هشت فرسخ داشته باشد یا قصد رفتن چهار فرسخ داشته باشد و خواهد که همان روز یا شب برگردد باید که قصر نماز کند	باید که از موضع اقامت آنقدر دور شود که آواز اذان و دیوارها پوشیده شود پس هرگاه که قصد هشت فرسخ داشته باشد و این مقدار از موضع اقامت دور شود باید که نماز را قصر کند	باید که سفر مباح باشد که اگر سفر سفر معصیت باشد نماز قصر نتوان کرد هرچند که قصد هشت فرسخ یا زیاده داشته باشد و از محل اقامت دور شود که دیوارها و اذان پوشیده شود	اگر مسافر در اثنای سفر بوطن خود رسد یا قصد ماندن ده روز در غیر وطن نماید باید که نماز را تمام کند و اگر کسی سی روز در جایی باشد ... باید که نماز را تمام کند هر چند یک نماز باشد	آنست که کثیر السفر نباشد و کثیر السفر در عرف ... گفته اند یکی آنست که سه سفر کند و در میان آنها ده روز در جایی اقامت نکند و قول دیگر کثیر السفر کسی باشد که در عرف او را کثیر السفر گویند مثل ملاح ... پس هرگاه که کثیر السفر باشد قصر نماز نکند

باب دویم در مقارنات نماز یعنی افعال نماز و آن هشت چیز است اول نیت دویم تکبیر احرام سیم قرائت چهارم قیام پنجم رکوع ششم سجود هفتم تشهد هشتم تسلیم و بیان هر یک بعد ازین بتفصیل خواهد شد

دربیان واجبات رکعت اول نماز و در رکعت اول [illegible] هشت و یک چیز واجبست خواه نماز

دو رکعتی باشد و خواه سه رکعتی و خواه چهار رکعتی اول نیت است و صفت نیت اینست که نماز فرض ظهر میکنارم واجب تقرب بخدا و باید که این را
در خاطر بگذرانید و گفتن این لفظها در کار نیست بلکه گفتن این الفاظ مکروه هست و واجبات نیت هفت چیز است دویم تکبیرة الاحرام است
یعنی گفتن الله اکبر بعد از نیت بی فاصله و واجبات آن یازده چیز است سیم قرائت یعنی خواندن حمد و سوره بعد از تکبیرة الاحرام و واجبات آن
شانزده چیز است چهارم قیام یعنی ایستادن و باید که در حال نیت و تکبیرة الاحرام و قرائت ایستاده باشد و واجبات آن چهار چیز است پنجم رکوع و بعد از
قرائت برکوع باید رفت و واجبات رکوع نه چیز است ششم سجود یعنی بعد از رکوع دو سجده باید کرد و واجبات سجود چهارده چیز است و
مجموع این واجبات شصت و یک چیز میشود پس در رکعت اول این شصت و یک چیز واجبست و بیان اینها بتفصیل در این دو صحیفه جدول میشود بعون الله تعالی

اول	باید که در حال نیت و تکبیر و قرائت ایستاده باشد و واجبست که ایستاده باشد که اگر در حال اختیار نیت و لم کند نماز باطل است	یازدهم	باید که تکبیر را بعربی بگوید که اگر بعجمی بگوید در حال اختیار باطل گردد مثل آنکه گوید خدا بزرگ تر است
دویم	استقلال یعنی در حال ایستادن تکیه بچیزی نکند که اگر تکیه بچیزی کند در حال اختیار باطل گردد	دوازدهم	باید که در میان تکبیر فاصله نکند که اگر فاصله کند بچیزی که از فاصله گوینده باطل گردد

واجبات رکعت دویم نماز چهل و چهار چیز است چون تشهد و تسلیم را داخل کرده باشند اما از واجبات نماز میدانند و واجبات

تشهد نه چیز است چون اضافه شود پنجاه و سه چیز میشود و اگر نماز دو رکعتی باشد و واجبات سلام نیز اضافه شود
و آن نیز نه چیز است پس واجبات نماز دو رکعتی شصت و دو چیز میشود چنانکه در این جدول بیان شد

پنجم استدامت حکم نیت یعنی قصد چیزی که منافی نماز باشد نکند

ششم	خواندن حمد تنها یا بدون سوره	بیست و پنجم	سر برداشتن از رکوع بعد از تمام شدن ذکر
هفتم	رعایت اعراب حمد و تشدیدها بر وجه منقول متواتر	بیست و ششم	قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع
هشتم	رعایت ترتیب کلمها و ایتها بر وجه متواتر	بیست و هفتم	طمأنینه بعد از رکوع را بسیار طول ندادن
نهم	موالات یعنی پی در پی خواندن و فاصله نکردن	بیست و هشتم	بسجود رفتن و سجده کردن بر هفت عضو
دهم	وا ایستادن وقفها بر آخر کلمها و محافظت نظم کلام	بیست و نهم	تکیه کردن بر [illegible] خود را بر محل انداختن
یازدهم	آهسته خواندن قراءت خواه مرد باشد و خواه زن	سی ام	گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده کردن بران صحیح باشد
دوازدهم	بسم الله در اول حمد گفتن	سی و یکم	مساوی بودن محل سجده با محل ایستادن
سیزدهم	اکمال الحمد یعنی تمام خواندن آن	سی و دوم	گذاشتن عضوهای دیگر که گذاشتن [illegible] صادق باشد
چهاردهم	اخراج حروف از مخارج معتبر نمودن	سی و سیم	ذکر مقرر سجود را گفتن چنانکه گذشت
پانزدهم	تلاوت نمودن حمد بعربی و ترجمه نکردن	سی و چهارم	قرار گرفتن در حال سجود بقدر ذکر
شانزدهم	ترك آمین گفتن مگر در صورت تقیه	سی و پنجم	بعربی گفتن ذکر و ترجمه نکردن آن
هفدهم	رکوع کردن یعنی خم شدن بحدی که دستها بزانو رسد	سی و ششم	موالات در ذکر یعنی فاصله نکردن در آن
هجدهم	گفتن ذکر رکوع چنانکه بعد از این مذکور شد	سی و هفتم	شنوانیدن ذکر بنفس خود را هرچند تقدیرا باشد
نوزدهم	بعربی گفتن ذکر و ترجمه نکردن در حال اختیار	سی و هشتم	سر برداشتن از سجود که بحد نشستن رسد
بیستم	موالات یعنی هم فاصله نکردن در میان اجزای ذکر	سی و نهم	قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجده اول
بیست و یکم	قرار گرفتن بقدر تمام شدن ذکر	چهلم	طمأنینه مذکور را بسیار طول ندادن
بیست و دوم	شنوانیدن ذکر بنفس خود را هرچند تقدیرا باشد	چهل و یکم	سجده دیگر مثل سجده اول بجا آوردن

اگر نماز چهار رکعتی باشد بعد از سجده دویم بر خیزد برکعت چهارم و اگر نماز سه رکعتی باشد بعد از سجده دویم بنشیند و تشهد و تسلیم بجا آورد چنانکه در رکعت دویم بیان شد پس واجبات نماز سه رکعتی با تشهد و تسلیم صد و هفتاد و یك چیز میشود و رکعت چهارم نیز مثل رکعت سیم است الا آنکه در نماز سه رکعتی در رکعت سیم تشهد و تسلیم بجا باید آورد و در نماز چهار رکعتی بعد از رکعت چهارم و در سایر واجبات تفاوت نکند پس در نماز چهار رکعتی دویست و ده چیز واجب خواهد بود هرگاه که قراءت حمد کرده شود و جایز است که در رکعت سیم و چهارم بجای حمد تسبیحات اربع بخواند و تسبیحات اربع اینست سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر یك روایت آنست که این مجموع را یك مرتبه بگوید که جمیع التسبیح گفته شود و روایت دیگر آنست که سه مرتبه این را بگوید اما در هر مرتبه الله اکبر را نگوید که نه تسبیح گفته شود و روایت دیگر آنست که مجموع را سه مرتبه بگوید که دوازده تسبیح گفته شود و محقق [illegible] و اکر بجای حمد تسبیح بخواند [illegible] اورد و بعربی تسبیحات را بگوید [illegible] بگوید

و این جمع واجبات نماز است و اگر خواهند که آنها را بشمارند چنین است که درین جدول بیان شده

واجبات رکعت اول نماز	واجبات رکعت دویم نماز	واجبات رکعت سیم نماز	واجبات رکعت چهارم نماز
شصت و یك چیز است	چهل و چهار چیز میشود بی تشهد و تسلیم	سی و پنج چیز میشود بی تشهد و تسلیم	سی و نه چیز بی تشهد و تسلیم

و اگر بجای حمد در رکعت سیم و چهارم تسبیح بخوانند در هر رکعتی سی و دو چیز واجب خواهد بود

واجبات هر یك از نمازهای چهار رکعتی	واجبات نماز سه رکعتی با تشهد و تسلیم	واجبات نماز دو رکعتی با تشهد و تسلیم
صد و بیست و سه چیز است	صد و هفتاد و یك چیز است	دویست و ده چیز است

پس در پنج نماز شبانه روزی در حضر هشتصد و بیست و چهار چیز واجب است

و واجبات این پنج نماز در سفر ششصد و شصت و سه چیز میشود و چون دو رکعت آخر از نماز ظهر و عصر و خفتن ساقط میشود

و اگر در رکعتهای آخر نمازها تسبیح بجای حمد بخوانند هشتصد و هفتاد و پنج چیز واجب میشود

و بیست و پنج چیز منافیات نماز اند که بعد از این مذکور میشود اگر آنها را با واجبات نماز جمع کنند هزار و نه چیز میشود و ازین [illegible] مقدمات نماز اند و هشتصد و بیست و چهار چیز مقارنات یعنی افعال نماز و بیست و پنج چیز منافیات این مجموع هزار و نه چیز میشود تمام شد واجبات نماز و میتوان دانست از این خللی که در نماز واقع شود [illegible] و منافیات [illegible] در [illegible] خواهد شد [illegible]

باب سیم در بیان احکام خللی که در نماز واقع شود و آن بر چند قسم است

چنانکه بعد ازین مذکور میشود و اوّلا در اینجا بیان چیزی چند میکنم که دانستن آنها ضرور و واجب باید دانست که چیزهایی که در نماز رعایت آنها در کار است یا داخل در حقیقت نماز است یا خارج از نماز است و آنکه داخل در حقیقت نماز است یا رکن است یا واجب غیر رکن

و رکن آنست که بسبب زیادتی و کمی آن عمدا و سهوا غالبا نماز باطل گردد و بیان ارکان بعد ازین خواهد شد	و واجب غیر رکن اگر عمدا زیاد یا کم کند نماز باطل گردد و اگر از روی فراموشی زیاده یا کم کند نماز باطل نگردد

و آنکه خارج از حقیقت نماز است یا شرط صحت نماز است یا چیزی چند است که در نماز ترك آنها باید نمود

و چیزهایی که شرط صحت نماز است مثل طهارت از حدث و بر طرف کردن نجاست از بدن و جامه و سایر مقدمات نماز است چنانکه پیشتر مذکور شد	و چیزهایی که در نماز ترك آنها باید نمود آنها را منافیات نماز گویند مثل ترك سخن گفتن و ترك فعل کثیر و غیره چنانکه بعد ازین مذکور خواهد شد

در بیان خلل و عمد و سهو و شك و غیره و خلل زیادتی یا کمی است که در نماز واقع شود و واقع شدن آن یا بعنوان عمد است یا سهو یا شك و عمد آنست که کسی چیزی را داند و قصدا آن را بجا آورد و سهو آنست که خلل را از روی فراموشی واقع سازد و شك آنست که در چیزی تردد داشته باشد که آیا آن را بجا آورده یا نیاورده و هر دو طرف کار او مساوی باشد و اگر در کردن و نکردن چیزی تردد داشته باشد و کمان او بیك طرف بیشتر باشد آن طرف را که کمان بیشتر دارد آن را ظن گویند و طرفی را که کمان کمتر دارد وهم گویند و علم آنست که کسی چیزی را داند و جهل آنست که نداند پس اگر اصل چیزی را داند مثل آنکه خواندن حمد و سوره را داند آن را علم باصل گویند و اگر وجوب آن را داند یعنی داند که خواندن حمد و سوره در نماز واجب است آن را علم بحکم شرعی گویند و اگر داند که نخواندن حمد و سوره مثلا عمدا نماز را باطل میکند این را علم بحکم وضعی گویند و اضطرار آنست که کسی چیزی را از راه ناچاری واقع سازد و اختیار در مقابل اضطرار است و چون این امور معلوم شد پس خللی که در نماز واقع شود بر دو قسم است یك قسم آنست که نماز را باطل میکند و قسم دیگر آنست که باطل نمیکند و آن قسمی که نماز را باطل کند آنها را منافیات نماز و ترك [illegible] گویند و آن نیز بر دو قسم است

اوّل آنست که عمدا و سهوا نماز را باطل کند مثل حدث کردن [illegible] و فعل کثیر و غیره	دویم آنست که اگر عمدا واقع شود نماز باطل گردد و اگر سهوا واقع شود باطل نگردد مثل سخن گفتن و غیره

و خللی که نماز را باطل نکند بر پنج قسم است چنانکه مجملا درین جدول آنها بیان شده و بعد ازین بتفصیل بیان خواهد شد

اوّل آنست که بسبب آن چیزی لازم نگردد یعنی نه تلافی باید نمود و نه سجده سهو و نماز صحیح باشد	دویم آنست که تلافی باید نمود و اما سجده سهو لازم نگردد و نماز صحیح باشد
سیم آنست که هم تلافی باید نمود و هم سجده سهو و نماز صحیح باشد	چهارم آنست که سجده سهو لازم شود بدون تلافی و نماز صحیح باشد

پنجم آنست که باعث نماز احتیاط گردد یا سجده سهو یا بی سجده سهو و بیان این هفت شق در هفت جدول خواهد شد بعون الله تعالی

فصل اوّل در بیان خللی که عمدا و سهوا باطل نماز است و آنها را منافیات نماز گویند و بعضی سهوا سبب باطل شدن نماز میشوند اگر وقت باقی باشد و حکم اختیار و اضطرار و غیره در [illegible] بیان نموده

	اگر دانسته و قصدا باشد	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر از روی اختیار باشد	اگر بسبب اضطرار باشد
اوّل حدث کردن در نماز و حدث در موجبات وضو و غسل مذکور شد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد از برای آنکه یا عمد خواهد بود یا سهو	نماز باطل گردد مگر آنکه سلس البول یا مبطون باشد
دویم وضو ساختن یا غسل کردن با آب نجس و یا آن وضو یا غسل نماز کردن	اگر عمدا یعنی دانسته و قصدا باشد	اگر سهوا یعنی بسبب فراموشی باشد	اگر نجاست را نداند	اگر بعد از نماز بداند که آب نجس بود
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد
سیم پشت بقبله کردن در نماز هرچند در بعضی از نماز باشد	اگر عمدا پشت بقبله کند	اگر سهوا پشت بقبله کند	اگر بسبب اضطرار باشد	اگر بسبب ظن پشت بقبله کند
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد و اگر باقی نباشد بعضی نماز را صحیح میدانند	نماز صحیح است هرگاه که در [illegible] باشد و وقت نماز تنگ شود	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد و اگر وقت بیرون رفته باشد صحیح است

	اگر عمدا باشد	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر بسبب اضطرار باشد	اگر بسبب ظن باشد
چهارم کردیدن از قبله بحدی که قبله بطرف راست یا بطرف چپ باشد	نماز باطل است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد و اگر وقت بیرون رفته باشد صحیح است	نماز صحیح است هرگاه در جنگ باشد و نماز کند	نماز صحیح است اگر وقت بیرون رفته باشد و اگر وقت باقی باشد بعضی نماز را باطل میدانند
پنجم فعل کثیر هرگاه بحیثیتی باشد که در عرف او را نمازکن نگویند و مقل قلیل [illegible] مثل کشتن کنند و [illegible]	اگر عمدا فعل کثیر واقع شود	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر اختیارا واقع شود	اگر اضطرارا واقع شود
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد اگر وقت باقی باشد	اگر با عمد باشد حکم عمد دارد و با سهو حکم سهو	نماز صحیح است هرگاه در جنگ باشد و نماز کند چنانکه مذکور خواهد شد
ششم سکوت طویل هرگاه بحیثیتی باشد که در عرف آن را نمازکن نگویند	اگر عمدا واقع شود	اگر بسبب فراموشی واقع شود	اگر اختیارا واقع شود	اگر اضطرارا واقع شود
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل است و بعضی نماز را صحیح میدانند	اگر با عمد باشد حکم عمد دارد و با سهو حکم سهو	حکم اضطرار بنظر فقیر نرسیده که نماز باطل گردد یا صحیح باشد
هفتم زیاد کردن یا کم کردن رکنی از ارکان نماز که آن نیت و تکبیر احرام و قیام و رکوع و دو سجده است	اگر عمدا زیاد یا کم کند	اگر بسبب فراموشی زیاد یا کم کند	اگر بسبب ندانستن زیاد یا کم کند	اگر اختیارا زیاد یا کم کند
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد خواه حکم شرعی نداند و خواه حکم وضعی را	نماز باطل گردد از برای آنکه یا عمد بوده یا سهو
هشتم نماز را پیش از داخل شدن وقت بجا آوردن چنانکه در جدول بیان میشود	اگر عمدا واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر [illegible]	اگر [illegible]
	نماز باطل است خواه تمام آن را پیش از وقت بجا آورده باشد و خواه بعضی از آن را	نماز باطل گردد اگر تمام آن را پیش از وقت بجا آورده باشد و بعضی [illegible]	نماز باطل گردد اگر تمام آن را پیش از وقت بجا آورده باشد	نماز باطل گردد خواه تمام و بعضی از وقت کرده باشد و خواه بعضی از آن را
نهم واقع ساختن نماز در مکان غصبی که [illegible] و مکان [illegible] هرگاه که نجاست سرایت کند	اگر عمدا واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر نجاست مکان را نداند	اگر جاهل بحکم باشد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد اگر وقت باقی باشد و اگر باقی نباشد بعضی [illegible]	نماز صحیح است و بعضی گفته اند اگر وقت باقی باشد اعاده [illegible]	نماز باطل گردد هرگاه که عمدا نماز کرده باشد
دهم واقع ساختن نماز در جامه نجس هرگاه نجاستی باشد که بخشیده نشده باشد [illegible]	اگر عمدا واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر نجاست جامه را نداند	اگر از راه اضطرار واقع سازد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل است اگر وقت باقی باشد موافق مشهور	نماز صحیح است اگر وقت باقی باشد [illegible]	نماز صحیح است هرگاه کندن جامه و ازاله نجاست مقدور نباشد
یازدهم واقع ساختن نماز در جامه غصبی هرگاه که رخصت از صاحب جامه نگرفته باشد	اگر عمدا واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر غصبیت جامه را نداند	اگر از راه اضطرار واقع سازد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	بعضی مطلقا باطل میدانند و بعضی مطلقا صحیح میدانند و بعضی در خارج وقت صحیح میدانند	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز صحیح است هرگاه که کندن جامه مقدور نباشد
دوازدهم واقع ساختن نماز در مکان غصبی هرگاه آن مالك نگرفته باشد	اگر عمدا واقع سازد	اگر بسبب فراموشی واقع سازد	اگر غصبیت مکان را نداند	اگر از روی اضطرار واقع سازد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	بعضی مطلقا باطل میدانند و بعضی مطلقا صحیح میدانند و بعضی در خارج وقت صحیح میدانند	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز صحیح است مثل آنکه کسی را در مکان غصبی حبس کرده باشند
سیزدهم وضو ساختن یا غسل کردن یا تیمم کردن با چیز غصبی یا [illegible]	اگر عمدا باشد	اگر از روی فراموشی باشد	اگر غصبی بودن آن را نداند	و اگر جاهل بحکم باشد
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	[illegible]	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	اگر جاهل باشد نماز باطل است و اگر ساهی باشد حکم سهو دارد
چهاردهم واقع ساختن نماز در [illegible] میته [illegible]	اگر عمدا باشد	اگر از روی فراموشی باشد	اگر نداند که پوست میته است	اگر نداند که پوست میته است
	نماز باطل گردد خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز را صحیح میدانند [illegible] اگر وقت بیرون رفته باشد	و بعد از نماز ظاهر شود نماز صحیح است [illegible]	و بعد از نماز ظاهر شود نماز باطل است [illegible]

پانزدهم حفظ نکردن عدد رکعتهای نماز یعنی نمازگذار نداند که چند رکعت از نماز بجا آورده مثل آنکه نداند که در رکعت اوّل یا دویم یا سیم یا چهارم است نماز باطل گردد در صورتی که ظن او بطرفی غالب نباشد که اگر ظن او بر چیزی غالب باشد بنا را بران میگذارد و نماز را تمام میکند

اوّل

شانزدهم شك در دو رکعت اوّل از نمازهای چهار رکعتی و شك در رکعتهای نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و جمعه و کسوف و غیره و شك در عدد رکعتهای نماز مغرب باعث باطل شدن نماز است و گفته اند اگر بطرفی ظن بهم رساند نماز باطل نیست و اگر ظن بطرفی بهم رساند بنا را بران میگذارد و نماز صحیح است بنابر مشهور و بعضی گفته اند که در دو رکعت اوّل علم باید و ظن کافی نیست

هفدهم کم کردن یك رکعت یا زیاده بران از نماز و بخاطر آمدن آن بعد از فعل منافی که عمدا و سهوا نماز را باطل کند مثل پشت بقبله کردن و غیره نماز باطل گردد و اگر بعد از فعل منافی بخاطر آید که آن منافی عمدا نماز را باطل کند نه سهوا مثل حرف زدن و غیره میان علما خلافست و مشهور آنست که آنچه ترك کرده بجا آورد و نماز صحیحست و بعضی نماز را باطل میدانند

هجدهم اگر کسی یك رکعت در نماز زیاد کند و بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته باشد نماز باطل است و اگر بعد از رکعت چهارم بقدر تشهد نشسته باشد نماز صحیحست بنابر شهید اوّل علیه الرحمه و بعضی گفته اند اگر تشهد خوانده باشد نماز صحیح است

نوزدهم حفظ نکردن دو رکعت اوّل نماز سبب باطل شدن نماز است و گفته اند فرق میان این شق و شك در دو رکعت اوّل نماز آنست که در شك کاهی [illegible] دو رکعت و کاهی نکردن از بخاطر میرسد و هیچ طرف ترجیح ندارد و در دیگری در این شق مطلق بخاطر نمیرسد که چند رکعت کرده و فرق میان این دو شق کردن تحلیل [illegible]

بیستم ازجمله منافیات نماز آنست که نمازگذار مشغول الذمه باشد یعنی کسی قادر باشد بادای آن و ادای آن فوری و واجب شده مثل دین و امانت که مطالبه آن کنند و رد عین مغصوب و غیره پس تا بری الذمه نشود نماز او صحیح نباشد و این در صورتیست که وقت نماز وسعت داشته باشد که اگر وقت تنگ شده باشد گفته اند نماز صحیحست اگرچه با تنگی وقت نیز گفته اند که احتمال منافات دارد

بیست و یکم ازجمله منافیات بالغ شدن است در اثنای نماز و مراد از بالغ شدن در اینجا آنست که بسن بلوغ برسد یعنی اگر مرد باشد پانزده سال او تمام شود و اگر زن باشد نه سال و بلوغ را در بیدن موی نیز گفته اند اما در اینجا بعید است و مراد از بلوغ جنب شدن نیست از برای آنکه آن حدث است پس هرگاه در اثنای نماز بالغ شود نماز باطل گردد و باید که نماز را اعاده کند بنیت وجوب

فصل دویم در بیان خللی که عمدا اگر واقع شود نماز باطل گردد نه سهوا و اینها نیز از جمله منافیات نماز اند و بیان اینها درین جدول شده و حکم اختیار و اضطرار و غیره نیز بمناسبت مقام بیان میشود

	اگر عمدا اجنبی کند	اگر از روی فراموشی باشد	اگر اختیار اجنبی کند	اگر بسبب اضطرار [illegible]
اوّل گذاشتن یکی از دستها بر دیگری یعنی بطور سنیان دست بسته نماز کردن و این را تکتف و کویند و بعضی گفته اند تکتف بودن دست راست بر دست چپ گذاشتن است و بعضی دیگر گفته اند که فرقی نیست خواه دست راست بر دست چپ گذارند یا عکس و خواه دستها بالای ناف گذارند یا زیر ناف	نماز باطل گردد خواه دانند که دست بستن باطل نماز است و خواه ندانند	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه وقت بیرون رفته	اگر عمدا باشد نماز باطل گردد و اگر با سهو باشد نماز صحیحست	نماز صحیح است هرگاه از برای تقیه دست بسته نماز کند
دویم سخن گفتن در نماز بدو حرف یا زیاده بران هرگاه که قرآن و دعا و ذکر و سلام نباشد و گفته اند که اگر یك حرف بگوید که افاده معنی تمام کند حکم سخن گفتن دارد مثل ق یعنی نگاه دار و ع یعنی نگاه [illegible]	اگر عمدا سخن گوید	اگر از روی فراموشی	اگر از روی اختیار باشد	اگر مضطر باشد
	نماز باطل گردد مگر آنکه دعا یا قرآن یا ذکر سلام باشد	نماز صحیح است هرچند که غیر قرآن و دعا و ذکر سلام باشد	اگر با عمد باشد نماز باطلست و با سهو صحیح چنانکه مذکور شد	نماز باطل گردد اما کناهی بر او نباشد برای محافظت [illegible]
سیم خوردن و چیزی آشامیدن و غیره نماز را باطل کند و گرد دو تو هرگاه کسی تشنه باشد [illegible] و ترس آنکه اگر نماز را تمام کند صبح طلوع کند جایز است که آب بیاشامد در نماز و اگر [illegible] نماز را باطل ندانند مگر منافی [illegible]	اگر عمدا باشد	اگر از روی فراموشی	اگر از روی اختیار باشد	اگر مضطر باشد
	نماز باطل گردد برای شهید علیه الرحمه و جمعی از علما	نماز صحیح است مگر منافی دیگر بعمل آید که عمدا و سهوا باطل باشد مثل فعل کثیر و غیره	نماز باطل است اگر با عمد باشد و اگر با سهو باشد صحیح است	نماز صحیح است اگر نماز و تر باشد و اضطرار [illegible]
چهارم قهقهه خندیدن در نماز و گفته اند که خنده قهقهه آنست که با آن آوازی باشد و اما تبسم نماز را باطل نکند و آن خنده ایست بی آوازی باشد اگرچه تبسم کردن در نماز مکروهست اما مبطل نیست	اگر عمدا واقع شود	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر بالاختیار باشد	اگر مضطر باشد
	نماز باطل گردد و تبسم عمدا نماز را باطل نکند اما مکروهست	نماز صحیح است هرچند بقهقهه خندیده باشد	نماز باطل است اگر عمدا واقع شود و اگر با سهو واقع شود نماز صحیح است	یعنی خنده بر وجهی بزند که محافظت خود نتواند نمود نماز باطل گردد برای شهید ثانی
پنجم گریه کردن از برای امور دنیا [illegible] گریه کند از برای میتی یا تلف شدن مالی و مانند آن و اما گریه از برای امور آخرت مثل گریه از بهشت یا دوزخ یا ترس خدای تعالی از افضل اعمال است که سبب [illegible] گریه داشتن اما باید که مشتمل بر حرف یا زیاده بران نباشد	اگر عمدا گریه کند	اگر بسبب فراموشی باشد	اگر اختیاری باشد	اگر اضطرارا باشد
	نماز باطل گردد هرگاه گریه از برای امور دنیا باشد	نماز صحیح است اگرچه گریه از برای امور دنیا باشد	نماز باطل است اگر عامد باشد و اگر با فراموشی باشد نماز صحیح است	یعنی گریه از برای امور دنیا بر وجهی که محافظت خود نتواند نمود باطل گردد برای شهید ثانی

ششم	اگر عمداً ترک کند	اگر سهواً ترک کند	اگر جاهل باشد به حکم شرعی	اگر به حکم وضعی جاهل باشد
ترک واجبی از واجبات نماز خواه آن واجب رکن باشد خواه غیر رکن و احکام ترک رکن و سایر واجبات نماز از روی فراموشی در جدولهای بعد از این بتفصیل بیان خواهد شد	نماز باطل گردد خواه رکن باشد و خواه واجب غیر رکن	نماز صحیح است اگر ترک رکنی از ارکان نماز نکرده باشد	نماز باطل است اگر عمداً ترک کند خواه رکن باشد و خواه غیر رکن نماز بجهر و اخفات	نماز باطل گردد اگر عمداً ترک کند خواه رکن باشد خواه رکن غیر جهر و اخفات
هفتم	اگر عمداً زیاد کند	اگر سهواً زیاد کند	اگر جاهل به حکم شرعی	اگر جاهل به حکم وضعی
زیاد کردن واجبی از واجبات خواه رکن باشد و خواه غیر رکن و گفته‌اند اگر طمأنینه بعد از سر برداشتن از رکوع یا طمأنینه بعد از سر برداشتن از سجده اول را زیاد کند و بعدی برسد که از نماز بیرون رود نماز باطل گردد بقول شهید ثانی رحمه الله	نماز باطل گردد خواه رکن باشد و خواه واجب غیر رکن	نماز صحیح است اگر زیادتی رکن واقع نشده باشد	نماز باطل است اگر عمداً زیاد کند و اگر سهواً زیاد کند نماز باطلست اگر رکن باشد	نماز باطل است با عمد یا سهو نماز باطل است اگر زیادتی رکن بعمل آید
هشتم	اگر عمداً واقع شود	اگر سهواً واقع شود	اگر اختیاراً واقع شود	اگر مضطر باشد
انحراف از قبله و گفته‌اند اگر انحراف بتمام بدن واقع شود نماز باطل است و اگر بروا واقع شود تنها و عمداً است یا در نرسد نماز باطل نگردد اما مکروهست پس پشت بقبله کردن سهواً مبطل است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد و بعضی گفته‌اند اگر وقت باقی باشد انحراف سهواً مبطل است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد اگر بتمام بدن باشد نه تنها برو	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	اگر با عمد باشد نماز باطل گردد و اگر با [illegible] باشد نماز صحیح	نماز صحیح است هرگاه در جنگ باشد و نماز کند چنانکه در دستور [illegible]
نهم	اگر عمداً چنین کند	اگر سهواً چنین کند	اگر جاهل به حکم شرعی باشد	اگر جاهل به حکم وضعی باشد
عقص شعر یعنی مرد موی سر خود را در میان سر جمع کند و گره زند و نماز کند و اگر زن چنین کند و نماز کند نماز او باطل نگردد و بعضی گفته‌اند نماز کردن مردان با چنین حالی حرام است اما نماز باطل نگردد و بعضی مکروه میدانند و بعضی قایل بکراهت شدیده شده اند	نماز باطل گردد برای شهید اول علیه الرحمه	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل است اگر با عمد باشد و با سهو نماز صحیح است	نماز باطل است اگر با عمد باشد و با سهو نماز صحیح است
دهم	اگر عمداً چنین کند	اگر سهواً چنین کند	اگر جاهل به حکم شرعی باشد	اگر جاهل به حکم وضعی باشد
تطبیق و آن چنانست که دستها را بر هم نهد و در حال رکوع میان دو زانو نهد و در این نیز خلاف کرده اند بعضی نماز را باطل میدانند و بعضی حرام دانسته اما نماز را باطل نمیدانند و بعضی مکروه میدانند	نماز باطل گردد برای شهید اول علیه الرحمه	نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد	نماز باطل گردد هرگاه عامد باشد و با سهو نماز صحیح است	نماز باطل گردد هرگاه با عمد باشد و با سهو نماز صحیح است
یازدهم	اگر عمداً با برهنه بودن عورت نماز کند	اگر از روی فراموشی با برهنه بودن عورت نماز کند	اگر داند که عورت برهنه است و نماز کند	اگر نداند که عورت برهنه است و نماز کند
کشف عورت در نماز کردن یعنی برهنه بودن عورت در نماز اگر عمداً باشد نماز باطل است بشرط آنکه مضطر نباشد و اگر سهواً باشد در آن سه قولست یکی آنست که اگر وقت باقی باشد نماز باطل است و اگر وقت بیرون رفته باشد صحیح است خواه در تمام نماز برهنه باشد و خواه در بعضی از آن و قول دیگر آنست که اگر در تمام نماز برهنه باشد باطل است و اگر در بعضی از نماز برهنه باشد صحیح خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد و قول دیگر آنکه نماز صحیح است خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد و خواه در تمام برهنه باشد و خواه در بعضی از آن و این قول مشهور است و جاهل بحکم سهو دارد	نماز باطل است خواه در تمام نماز باشد و خواه در بعضی از آن و خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد مگر مضطر باشد	نماز صحیح است در تمام نماز باشد و خواه در بعضی از آن و خواه وقت باقی باشد و خواه نباشد بنابر قول مشهور	نماز باطل است اگر مضطر نباشد و اگر مضطر باشد نماز صحیح است مثل آنکه ساتری نداشته باشد	اگر بسبب ندانستن فراموشی باشد حکم آن بیان شد و اگر در اصل نداند نماز صحیح است چنانکه در سهو گذشت

وچون زیادتی رکنی از ارکان نماز عمداً و سهواً مجملاً بیان شد که مبطل نماز است درین جدول زیادتی رکنی از ارکان سهواً بیان میشود و کیفیت رکن سهواً در صورتی نماز را باطل میکند که از محل آن گذشته باشد که تدارک آن نتوان نمود و زیادتی رکن در بعضی صور تنها مبطل نماز نیست و بیان احکام در این جدول شده والله المستعان

جدول در بیان ترک رکنی از ارکان نماز بسبب فراموشی	در بیان فوت محل هر یک از ارکان و حکم صحت و بطلان نماز	جدول در بیان احکام زیادتی رکنی از ارکان نماز بسبب فراموشی
اگر کسی نیت نماز را فراموش کند یعنی در اصل در خاطر او نباشد که نماز میکند و از برای خدا میکند نه آنکه لفظ نگفته و این معانی در خاطر او باشد از برای آنکه نیت بودن همین معانیست در خاطر چنانکه مذکور شد	وچون تکبیر الاحرام بگوید بخاطر او آید نماز باطل گردد خواه نیت را رکن دانند و خواه شرط از برای آنکه ترک شرط نماز را باطل کند هرچند سهواً باشد	و زیادتی نیت بنابر مذهب جماعتی که آن را رکن میدانند باید که نماز را باطل کند از برای آنکه زیادتی رکن نماز را باطل کند هرچند سهواً باشد و بنابر مذهب جماعتی که شرط میدانند ممکن است که نماز باطل نگردد و اصح برای شهید ثانی که نیت اگر تلفظ [illegible] مبطل نماز نباشد خواه رکن باشد و خواه شرط
اگر کسی قیام یعنی ایستادن را فراموش کند و در قیامی که رکن است خلاف کرده اند بعضی گفته اند آنچه از قیام مشتمل بر رکنی باشد رکن است پس قیام در حال نیت یا قیام در حال تکبیر الاحرام رکن است و شهید اول علیه الرحمه قیام متصل برکوع را رکن میدانند پس قیامی که با آن رکوعی نباشد رکن نخواهد بود	پس اگر قیام در حال نیت را فراموش کند نماز باطل گردد موافق مذهب بعضی و اگر قیام در حال تکبیر را فراموش کند نماز باطل گردد موافق مذهب مشهور و اگر قیام متصل برکوع را فراموش کند نماز باطل گردد بنا بر قول شهید اول رحمه الله	و زیادتی قیامی که با آن رکن دیگر ضم نگردد نماز را باطل نکند پس اگر کسی بایستد در جائی که باید بنشیند از روی فراموشی و برکوع نرود نماز باطل نگردد و اگر رکن دیگر با آن ضم شود زیادتی آن سهواً نیز نماز را باطل کند مثل آنکه بایستد در جائی که باید نشسته برکوع نیز برود نماز باطل گردد و این تحقیق رکنیت قیام والله اعلم
اگر کسی تکبیر الاحرام را فراموش کند یعنی بعد از نیت بی فاصله تکبیر بقصد تکبیر الاحرام نگوید	هر وقت که بخاطر آید نماز باطل گردد هرچند که برکوع نرفته باشد گفته اند بسبب باطل شدن نماز فوت مقارنت با نیت است	و اگر کسی دو تکبیر الاحرام بگوید نماز باطل گردد هرچند سهواً باشد و گفته اند اگر هر دو را بقصد تکبیر الاحرام بگوید نماز باطل گردد نه بقصد مطلق ذکر که اگر ثانی را بقصد مطلق ذکر بگوید نماز باطل نگردد برای شهید ثانی
و اگر کسی رکوع را فراموش کند و گفته اند رکنیت رکوع وقتی حاصل شود که آن قدر خم شوند که دستها بزانوها برسد پس اگر شروع در خم شدن نماید و هنوز بآن حد نرسیده باشد رکن حاصل نشده باشد و ذکر رکوع و قرار گرفتن بقدر ذکر و سر برداشتن از رکوع را واجب میدانند و داخل در حقیقت رکوع نمیدانند بنابر قول مشهور	وچون پیشانی بزمین رسد بخاطر آید نماز باطل گردد موافق مشهور و بعضی گفته اند که اگر در دو رکعت آخر باشد هرچند سجده را تمام کرده باشد بر خیزد و رکوع را بجا آورد و آن سجده را از اعتبار ساقط کند و نماز را تمام کند	و زیادتی رکوع نماز را باطل کند هرچند سهواً باشد پس اگر در یک رکعت دو رکوع بجا آورد نماز باطل گردد اجماعاً مگر در صورتی که شک کند در رکوع در وقتی که ایستاده باشد باید که برکوع رود وچون برکوع رود و هنوز سر برنداشته اگر یادش آید که پیشتر رکوع کرده بود بعضی گفته اند که سر از رکوع برنداشته بسجود رود و نماز صحیح است لیکن مشهور بطلان نماز است
و اگر کسی هر دو سجده را فراموش کند و گفته اند که هر دو سجده با هم رکن اند و این قول مشهور است پس اگر کسی یک سجده را سهواً ترک کند یا یک سجده زیاد سهواً بجا آورد نماز باطل نگردد و برین قول بحث کرده اند که هرگاه رکن از مجموع من حیث المجموع حاصل شود [illegible] که اگر یک سجده را سهواً ترک کند مجموع من حیث المجموع بعمل نیامده باشد و شهید اول گفته که رکن مسمی سجود است و بیان بر بحث مجال این رساله گنجایش بیان این امور ندارد والله اعلم	وچون بعد از رکعت بعد از آن برکوع رود بخاطرش آید نماز باطل گردد موافق مشهور و اگر یک سجده را فراموش کرده باشد و بعد از رکوع بخاطرش آید نماز باطل نمیشود و حکم آن بعد از این ان شاء الله بیان خواهد شد	و زیادتی دو سجده در یک رکعت سبب باطل شدن نماز گردد هرچند سهواً باشد پس اگر کسی در یک رکعت چهار سجود بجا آورد نماز باطل گردد اجماعاً و اما در زیادتی یک سجده خلاف است چنانچه گذشت پس اگر کسی از روی فراموشی پیشتر از پیش نماز برکوع یا سجود رود بر میگردد و تا دیگر با پیش نماز برکوع یا سجود میرود و همچنین اگر بگمان آنکه پیش نماز سر برداشته سر بردارد از رکوع یا سجود باز که برگردد و با پیش نماز سر بردارد و مشهور آنست که در این صورت بسبب زیادتی رکن نماز باطل نگردد

قسم دویم خللی است که نماز را باطل نکند و فصل سیم در بیان خللی که بسبب آن چیزی لازم نگردد یعنی نه تلافی لازم شود و نه سجده سهو و نماز صحیح است و آن در صورتیست که واجبی از واجبات نماز غیر رکن را فراموش کند و بعد از گذشتن از محل آن بخاطر آید و بیان احکام آن درین جدول شده بعون الله تعالی

دربیان اجزای نماز	دربیان فوت محل هر یک از اجزا	دربیان احکام	دربیان صحت و بطلان نماز
اگر کسی خواندن حمد و سوره هر دو را فراموش کند	وچون بحد رکوع رسد بخاطرش آید یعنی آن قدر خم شده باشد که دستها بزانو رسد	نه تلافی قراءت باید نمود و نه سجده سهو موافق مشهور	و نماز صحیح است
اگر کسی خواندن حمد را تنها فراموش کند و سوره خوانده باشد	وچون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز نباید کرد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر کسی در دو رکعت اول نماز خواندن سوره را فراموش کند و حمد تنها بخواند	وچون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز نباید کرد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر کسی خواندن بعضی از حمد یا بعضی از سوره را فراموش کند خواه آیتی باشد یا زیاده بران یا کمتر از آن	وچون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر صفتی از صفات قرائت را فراموش کند مثل ترتیب یا اخراج حروف از مخارج یا سایر واجبات آن را	وچون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر بلند خواندن را فراموش کند در جائی که بلند باید خواند و آهسته خواندن را فراموش کند در جائی که آهسته باید خواند	وچون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر ذکر رکوع یا بعضی که در آن یا قرار گرفتن بقدر ذکر را فراموش کند اما باید که بحد رکوع خم شده باشد	وچون سر از رکوع بردارد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر سر برداشتن از رکوع یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کند	وچون بحد سجود رسد بخاطرش آید و حد سجود آنست که پیشانی بر زمین رسد	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر ذکر سجده اول یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا سجده کردن بر بعضی اعضا غیر جبهه را فراموش کند	وچون سر از سجده اول بردارد بخاطرش آید	تلافی نباید نمود و سجده سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر نشستن بعد از سجده اول یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجده اول را فراموش کند	وچون بحد سجده دویم رسد بخاطرش آید	تلافی نباید کرد و سجده سهو نیز لازم نگردد بنابر قول مشهور	و نماز صحیح است
اگر ذکر سجده دویم یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا سجده کردن بر بعضی اعضا غیر جبهه را فراموش کند	وچون سر از سجده دویم بردارد بخاطرش آید	تلافی باید نمود و نه سجده سهو بنابر قول مشهور و بعضی از برای هر زیادتی و نقیصه [illegible] سجده سهو لازم میدانند	و نماز صحیح است
اگر واجبی از واجبات نماز را بسبب فراموشی زیاد بفعل آورد اما باید که غیر رکن باشد	و زیادتی واجب محلی ندارد که هرگاه از فوت محل پیش از آن بخاطر آید	سجده سهو لازم نگردد مگر در چند صورت که بعد از این مذکور خواهد شد	و نماز صحیح است

و سجده سهو از برای سهوی که در سجده سهو یا نماز احتیاط واقع شود لازم نگردد یعنی اگر در سجده سهو یا نماز احتیاط چیزی را فراموش کند که اگر در نماز اصل آن را فراموش کنند موجب سجده گردد در اینجا موجب سجده سهو نگردد و همچنین نماز احتیاط

و اگر کسی شک کند که آیا در نماز از و سهوی حاصل شده یا نشده یا شک کند که آیا از او شکی حاصل شده یا نشده چیزی بر او لازم نگردد

و اگر کسی سهو بسیار کند بحیثیتی که در عرف او را کثیر السهو گویند حکم سهو از و ساقط گردد یعنی سجده سهو و نماز احتیاط بر او لازم نگردد و بعضی گفته اند که کثیر السهو آنست که در سه نماز پی در پی سهو کند یا در یک نماز سه سهو از او صادر شود

و اگر پیش نماز در چیزی شک کند و ماموم آن را حفظ کرده باشد آن شک اعتبار ندارد و حکم شک ساقط گردد و همچنین اگر ماموم شک کند و امام آن را حفظ کرده باشد آن شک اعتبار ندارد

و اگر کسی شک کند در چیزی و ظن او بر طرفی غالب گردد عمل بظن باید و حکم شک ساقط گردد

فصل چهارم از قسم دویم در بیان خللی که اگر در نماز واقع شود تلافی آن باید نمود بعد سجده سهو [illegible] و آن در صورتیست که واجبی از واجبات نماز را فراموش کند و پیش از آنکه از محل آن بگذرد یا بعد از گذشتن از محل [illegible] سجده سهو لازم نگردد [illegible] و بیان احکام در این جدول شده بعون الله تعالی

دربیان فراموش کردن هر یک از واجبات نماز	دربیان محل هر یک از واجبات نماز	دربیان احکام	دربیان صحت و بطلان نماز
اگر کسی خواندن حمد و سوره را فراموش کند	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید یعنی آن قدر خم نشده باشد که دستها بزانوها برسد هرچند که شروع در خم شدن کرده باشد	باید که برگردد و قراءت کند و بعد از آن برکوع رود	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی خواندن حمد را تنها فراموش کند و سوره را خوانده باشد	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید و حد رکوع مذکور شد	باید که برگردد و حمد را بخواند و باز دیگر سوره را بعد از حمد بخواند اگر خواهد همان سوره را بخواند و اگر خواهد سوره دیگر بخواند	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی بعضی از حمد یا سوره را فراموش کند که آیه یا کلمه یا بیشتر یا [illegible] یا صفتی از صفات قرائت را فراموش کند	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید هرچند که از برای رکوع شروع در خم شدن کرده باشد	برگردد و آنچه ترک کرده بجا آورد و ما بعد آن را تا ترتیب بعمل آید	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر بلند خواندن قرائت را فراموش کند در جائی که بلند باید خواند و آهسته خواندن یا آهسته خواندن را فراموش کند در جائی که آهسته باید خواند	و هنوز بحد رکوع نرسیده بخاطرش آید و حد رکوع نرسیده باشد	محل خلافست بعضی بر آنند که تدارک نباید نمود و بعضی بر آنند که تدارک باید نمود هرچند که پیش از خم شدن از برای رکوع بخاطرش آید و اظهر برای سجده [illegible]	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
و اگر کسی ذکر رکوع را فراموش کند یعنی بقدر ذکر خم شده باشد و ذکر آن را فراموش کند	و هنوز از حد رکوع بیرون نرفته بخاطرش آید	باید که ذکر را تدارک کند و بعد از آن سر از رکوع بردارد	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
و اگر کسی رکوع را فراموش کند و مراد از رکوع خم شدن است بحدی که دستها بزانوها برسد	و هنوز بحد سجود نرسیده بخاطرش آید یعنی پیشانی را بزمین نگذاشته بیادش آید	باید که برخیزد و دو تا بایستد و بعد از آن برکوع رود تا خم شدن که از برای سجود کرده [illegible] اگر چه آن قدر که بحد رکوع رسیده	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
و اگر سر برداشتن از رکوع یا قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کند	و هنوز بحد سجود نرسیده بخاطرش آید هرچند که از برای سجود خم شده باشد	باید که برگردد و فراموش شده را تدارک کند و اگر قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از رکوع را فراموش کرده باشد برگردد و راست بایستد و آرام گیرد و بعد از آن بسجود رود	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر ذکر سجده اول یا قرار گرفتن بقدر ذکر یا سجده کردن بر بعضی اعضا غیر جبهه را فراموش کند	و پیش از سر برداشتن از سجده اول بخاطرش آید	باید که آنچه را که فراموش کرده تدارک نماید خواه ذکر باشد و خواه سجده بر بعضی اعضا و غیر آن	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی قرار گرفتن بعد از سر برداشتن از سجده اول را فراموش کند	و پیش از آنکه سر او برای سجده دویم بزمین گذارد بخاطرش آید	باید که بنشیند و اندکی قرار بگیرد و بعد از آن بسجده دویم رود	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد

اگر کسی ذکر سجده دویم یا درنگ کردن بقدر ذکر یا گذاشتن بعضی اعضا بر زمین غیر جبهه را فراموش کند	و پیش از سر برداشتن از سجده دویم بخاطرش آید	آنچیزی را که فراموش کرده باید که تلافی نماید خواه ذکر باشد و خواه گذاشتن بعضی از اعضا بر زمین و خواه غیر آن	نماز صحیح و سجده سهو لازم نمیگردد
اگر کسی یک سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	برگردد و سجده فراموش شده را بجا آورد و قرائت از سر گیرد اگر کرده باشد و اگر از سجده اول نشسته باشد و قرار گرفتن بقصد واجب بعمل آورده باشد باز برگشتن و قرار گرفتن در کار نیست	نماز صحیح و سجده سهو لازم نگردد بنابر مشهور
اگر کسی یک سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	برگردد و آن سجده فراموش شده را بجا آورد و اگر بعد از سجده اول در اصل نشسته باشد و قرار نگرفته باشد باید که اول بنشیند و انوقت قرار گیرد و بعد از آن بسجود رود	نماز صحیح و سجده سهو لازم نگردد بنابر قول مشهور
اگر کسی یک سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	و بعد از آن سجده که بجا آورده نشسته باشد و قرار گرفته باشد لیکن نه بقصد واجب بلکه بقصد جلسه استراحت درین صورت خلاف شهید آنست که همان نشستن و قرار گرفتن کافیست	نماز صحیح برای شهید اول و جمعی از علما و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی هر دو سجده را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رسیدن بحد رکوع بخاطرش آید	باید که برگردد و هر دو سجده را ادا کند و درین صورت نیز میان علما خلاف است بعضی قایل اند که نماز باطل میگردد	اما مشهور آنست که نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی یک سجده رکعت آخر نماز را فراموش کند	و بعد از تشهد و پیش از سلام گفتن بخاطرش آید	باید که برگردد و آن سجده را بجا آورد و تشهد را بار دیگر بخواند	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی دو سجده رکعت آخر نماز را فراموش کند	و بعد از تشهد و پیش از سلام گفتن بخاطرش آید	باید که برگردد و هر دو سجده را بجا آورد و تشهد را بار دیگر بخواند	نماز صحیح و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی یک سجده را فراموش کند و در یک سجده شک داشته باشد	و بعد از ایستادن و پیش از رکوع آن یکی بخاطرش آید و در آن دیگری شک کند	این صورت محل اشکالست برای شهید ثانی و بعضی از علما آنست که هر دو سجده را بجا آورد و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که همان سجده فراموش شده را بجا آورد	نماز صحیح است و برای مجتهد الزمانی اگر اعاده نماز نیز بکند شاید احوط باشد
اگر کسی تشهد اول نماز را فراموش کند	و بعد از ایستادن و پیش از رکوع بخاطرش آید	باید که بنشیند و تشهد را بجا آورد و برخیزد و قرائت را از سر گیرد اگر قرائت کرده باشد و اگر نکرده باشد قرائت کند	نماز صحیح است و سجده سهو لازم نگردد
اگر کسی تشهد آخر نماز را فراموش کند	و پیش از سلام بخاطرش آید	برگردد و تشهد را بجا آورد و بنابر مذهب جماعتی که سلام را سنت میدانند [illegible]	و نماز صحیح است

فصل پنجم در بیان خللی

فصل پنجم در بیان خللی که هر تلافی باید نمود و هم سجده سهو و بیان آن در این جدول شده

در بیان فراموش کردن افعال نماز	در بیان گذشتن از محل هر یک از افعال	در بیان احکام از تلافی و سجده سهو	در بیان صحت و بطلان نماز
اگر کسی یک سجده از نماز فراموش کند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	باید که بعد از نماز تلافی آن سجده نماید و سجده سهو نیز بجا آورد موافق مذهب مشهور	و نماز صحیح است
و اگر کسی یک سجده رکعت آخر نماز را فراموش کند	و بعد از آنکه سلام گوید بخاطرش آید	باید که سجده فراموش شده را تلافی نماید	و نماز صحیح است
اگر کسی تشهد اول نماز را فراموش کند	و چون بحد رکوع رسد بخاطرش آید	باید که بعد از نماز تلافی آن تشهد نماید و سجده سهو نیز بجا آورد موافق مذهب مشهور	و نماز صحیح است
و اگر کسی تشهد آخر نماز را فراموش کند	و بعد از آنکه سلام گوید بخاطرش آید	باید که تشهد را بجا آورد و دو سجده سهو واجب کرده و برای بعضی از علما و مجتهد الزمانی گفته‌اند که سجده سهو احوط است اگرچه دلیلی ندارد	و نماز صحیح است
اگر کسی صلوات فرستادن بر محمد و آل او را در تشهد فراموش کند	و بعد از رکوع بخاطرش آید اگر از تشهد اول باشد و بعد از سلام بخاطرش آید اگر از تشهد آخر باشد	باید که بعد از نماز صلوات فراموش شده را بجا آورد و سجده سهو نیز بجا آورد موافق رای شهید اول علیه الرحمه و بعضی قضای آن را واجب نمیدانند	و نماز صحیح است

فصل ششم در بیان خللی که باعث سجده سهو گردد بدون تلافی و بیان آن درین جدول شده و احوط برای شهید اول و اکثر علما آنست که سجده سهو را برای هر زیادتی و کمی که در نماز واقع شود بجا باید آورد اما باید که آن زیادتی و کمی نماز را باطل نکند

اول اگر کسی از روی فراموشی سلام را در غیر موضع بجا آورد باید که بعد از نماز سجده سهو بجا آورد و بر این نقل اجماع کرده اند مگر محمد بن یعقوب کلینی که درین صورت قایل بوجوب سجده سهو نشده است و باقی علما واجب میدانند

دوم اگر کسی از راه فراموشی در اثنای نماز سخنی گوید که مشتمل بر دو حرف باشد یا یک حرف که افاده معنی تمام کند مثل قِ و غیره که غیر قرآن و دعا و ذکر و سلام باشد باید که بعد از نماز سجده سهو بجا آورد و درین صورت خلافی میان علما ظاهر نمیشود

سیم اگر کسی از روی فراموشی بایستد در جائی که باید نشست یا بنشیند در جائی که باید ایستاد باید که بعد از سلام نماز سجده سهو بجا آورد موافق رای شهید و اکثر علما مگر آنکه خواندن تشهد را فراموش کند و برخیزد بقراءت و در اثنا بخاطرش آید که تشهد نخوانده برمیگردد و تشهد میخواند باز برمیخیزد بقراءت اگرچه درین صورت هم قیام در موضع قعود است اما سجده سهو لازم نگردد چنانکه مذکور شد

چهارم اگر کسی شک کند میان رکعت چهارم و پنجم در نماز چهار رکعتی باید که بعد از سلام نماز سجده سهو بجا آورد و مفصل احکام این در مبحث شک در میان رکعات نماز مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و تقدس

در بیان کیفیت تلافی اجزای فراموش شده نماز و احکام آن از سجده و صلوات و تشهد و غیره

واضح است که واجب باشد که اجزای فراموش شده نماز را بعد از نماز بی فاصله بجا آورند برای شهید اول علیه الرحمه و شرطست در آنها آنچه در نماز شرطست از طهارت و پوشانیدن عورت و رو بقبله بودن و غیره و اگر چند عدد از نماز فراموش کرده باشد باید که بعد از نماز اول عملهای فراموش شده را بترتیبی که فراموش کرده بجا آورد و بعد از آن از برای هر یک سجده سهو بترتیب بعمل آورد اگر بحد کثیر التسهو نرسیده باشد زیرا که سجده سهو از کثیر التسهو ساقط میشود

و اگر کسی یک سجده را در نماز فراموش کرده باشد و خواهد که بعد از نماز تدارک آن کند باید که نیت چنین کند

که سجده فراموش شده نماز ظهر یا عصر را بجای آورم ادا واجب قربة الی الله و نیت قضا کند اگر وقت بیرون رفته باشد یا در نماز قضا آن را فراموش کرده باشد و مقارن نیت پیشانی و سایر اعضا را بر زمین گذارد موافق رای شهید اول علیه الرحمه و اگر در نمازی که از میت اجاره کرده باشد یا در نمازی که از برای پدر میکند چنین سهوی واقع شود نیت چنین کند که بنیابت فلان

سجده فراموش شده را بجای آورم بجهت آنکه واجب بود یا اصالة الذمه من بنیابة ادا قربة الی الله و باید که سجده بر هفت عضو دیگر بجا آورد و ذکر سجود و قرار گرفتن بقدر ذکر و سایر واجبات سجود را بجا آورد و باید که محل سجده پاک باشد و از نجس باشد که سجده کردن بر آن جایز باشد چنانکه در سجده نماز مذکور شده است

و اگر تشهد را فراموش کرده باشد نیت چنین کند که تشهد فراموش شده فلان نماز را بجای آورم ادا یا

قضا واجب قربة الی الله و بعد از آن تشهد را بخواند و سایر واجبات تشهد را چنانکه مذکور شد بجا آورد و اگر صلوات بر پیغمبر و آلش را فراموش کرده باشد مثل تشهد است و سایر احکام تشهد و صلوات مثل احکام سجده فراموش شده نماز است

در بیان کیفیت سجده سهو و احکام آن و سجده سهو دو سجده است که بعد از اجزای فراموش شده نماز یا بعد

از سلام نماز بجا باید آورد و واجبست در آن دو سجده آنچه واجبست در سجده نماز از سجده کردن بر هفت عضو و آنکه مسجد پیشانی پاک باشد و از نجس باشد که سجده کردن بر آن صحیح باشد و قرار گرفتن بقدر ذکر و غیره و اما ذکر این دو سجده غیر ذکر سجده نماز است و شرطست در این دو سجده با طهارت بودن و پوشانیدن عورت و رو بقبله کردن و غیره و اگر بعد از نماز و پیش از سجده سهو از کسی حدثی صادر شود واجبست که طهارت کند و بعد از آن سجده سهو بجا آورد و متعدد میشود سجده سهو هرگاه که اسباب متعدد باشد هرچند در یک نماز باشد مثل آنکه کسی در یک رکعت یک سجده را فراموش کند و در رکعت دیگر تشهد را فراموش کند پس بعد از نماز از برای هر یک سجده سهو علیحده باید کرد مگر آنکه بحد کثیر التسهو رسد و بعضی از علما گفته‌اند که در نیت سجده سهو قصد ادا یا قضا کردن در کار نیست و برای شهید اجود آنست که قصد ادا یا قضا باید نمود و در کتاب بیان نیت ادا یا قضا را واجب میدانسته و بعضی از علما گفته‌اند که در نمازی که از برای میت میکنند خواه با اجاره باشد و خواه پسر بزرگ قضای نماز فوت شده پدر کند اگر سهوی واقع شود که باعث سجده سهو باشد باید که در نیت ذکر میت بکنند و بهتر آن است که ذکر میت در سجده سهو در کار نیست

در بیان نیت سجده سهو	در بیان ذکر سجده سهو	در بیان تشهد سجده سهو
و نیت چنین کند که دو سجده سهو بجای آورم از برای سهوی که در نماز ظهر کرده‌ام از برای آنکه واجب است قربة الی الله و مقارن نیت پیشانی را بر زمین گذارد و گفته‌اند که تعیین سبب سجده سهو در کار نیست هرگاه سبب یک چیز باشد و اگر چند چیز باشد واجب است یعنی اگر کسی تشهد را مثلا بتنهائی فراموش کرده باشد واجب نیست که در نیت سجده سهو قصد کند که سجده سهو را از برای تشهد فراموش شده بجای آورم و اگر تشهد و یک سجده باشد مثلا باید که هر سجده سهوی که بجای آورد قصد کند که از برای کدام بجای آورم و شهید در کتاب ذکری تعیین سبب را مطلقا واجب میداند	و در هر مرتبه که سر بسجده گذارد این ذکر را بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و اگر خواهد این ذکر را بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و هر یک از این دو ذکر را که در دو سجده سهو بگوید کافیست و طریق دیگر نیز نقل کرده‌اند	و چون سر از سجده دویم بردارد بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و در تشهد خلاف کرده‌اند که آیا البته باید که تشهد صغیر بخوانند چنانکه مذکور شد یا اگر تشهد کبیر که در نماز میخوانند بخوانند کافیست و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که اکتفا بتشهد صغیر کنند چنانکه مذکور شد و بعد از تشهد سلام بجا آورند مثل سلام نماز موافق مشهور و ابن صلاح خلاف کرده میگوید که سلام بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم باید داد

فصل هفتم

فصل هفتم در بیان خللی که باعث نماز احتیاط گردد و آن شک در عدد رکعتهای نماز است

پس اگر شک در نماز دو رکعتی باشد مانند نماز صبح و جمعه یا در نماز سه رکعتی باشد مانند نماز شام یا در دو رکعت اول از نماز چهار رکعتی باشد مشهور آنست که نماز باطل گردد چنانکه مذکور شد و اگر در نماز چهار رکعتی بعد از تحقق دو رکعت اول واقع شده باشد و در زیادتی شک کند دوازده صورت دارد و این جدول بیان نموده چنانکه شهید اول علیه الرحمه ذکر کرده

جدول در بیان شک در رکعتهای نماز	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	جدول در بیان احکام از نماز احتیاط و سجده سهو و صحت و بطلان نماز
اگر کسی شک کند میان دو و سه	نماز باطلست	نماز باطلست	نماز باطلست	نماز باطلست	نماز صحیحست	اگر بعد از کامل کردن سجود باشد بنا را بر سه گذارد و یکی باقی مانده را تمام کند و سلام دهد و بعد از آن یک رکعت نماز ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد
اگر کسی شک کند میان سه و چهار	نماز صحیح است	نماز صحیح است	نماز صحیح است	نماز صحیح است	نماز صحیح است	بنا را بر چهار گذارد و باقی مانده را تمام کند و سلام دهد و بعد از آن یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا آورد
اگر کسی شک کند میان دو و چهار	نماز باطل است	نماز باطلست	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز صحیح است	اگر بعد از دو سجده باشد بنا را بر چهار گذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد
اگر کسی شک کند میان دو و سه و چهار	نماز باطل است	نماز باطلست	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز صحیح است	بنا را بر چهار گذارد و اولا دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و بعد از آن دو رکعت نشسته و بعضی گفته‌اند که اختیار دارد خواهد نماز ایستاده را مقدم دارد و خواهد ایستاده را مؤخر
اگر کسی شک کند میان دو و پنج	نماز باطل است	نماز باطلست	نماز باطل است	نماز باطل است	[illegible]	مشهور باطل بودن نماز است و یک احتمال آنست که بنا را بر دو گذارد و دو رکعت دیگر بجا آورد و نماز را تمام کند و تشهد بخواند و سلام دهد
اگر کسی شک کند میان سه و پنج	احتمال صحت دارد	نماز باطلست	نماز باطل است	نماز باطل است	[illegible]	مشهور باطل بودن نماز است و یک احتمال آنست که بنا را بر سه گذارد و یک رکعت دیگر بجا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد که نماز تمام گردد
اگر کسی شک کند میان دو و سه و پنج	نماز باطل است	نماز باطلست	نماز باطل است	نماز باطل است	[illegible]	مشهور باطل بودن نماز است و یک احتمال آنست که بنا را بر کمتر گذارد و تشهد و تسلیم بجا آورد و نماز را تمام کند
اگر کسی شک کند میان دو و چهار و پنج	نماز باطل است	نماز باطلست	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز صحیح است	یک وجه آنست که بنا را بر کمتر گذارد و نماز را تمام کند و وجه دیگر آنست که بنا را بر چهار گذارد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و دو سجده سهو نیز بجا آورد
اگر شک کند میان دو و سه و چهار و پنج	نماز باطل است	نماز باطلست	نماز باطل است	نماز باطل است	نماز صحیح است	یک وجه آنست که بنا را بر کمتر گذارد و نماز را تمام کند و وجه دیگر آنست که بنا را بر چهار گذارد و نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا آورد و دو سجده سهو نیز بجا آورد
اگر کسی شک کند میان چهار و پنج	نماز صحیح است	نماز باطل است	نماز برای شهید صحیح است	نماز برای شهید صحیح است	نماز صحیح است	اگر پیش از رکوع باشد بنشیند و سلام بجا آورد و نماز را تمام کند و بعد از آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد و دو سجده سهو نیز بجا آورد و اگر بعد از رکوع یا پیش از تمام کردن سجده باشد بعضی نماز را باطل میدانند و اصح برای شهید آنست که نماز را تمام کند و سجده سهو بجا آورد و اگر بعد از سجود باشد نماز را تمام کند و دو سجده سهو بجا آورد
اگر شک کند میان سه و چهار و پنج	نماز صحیح است	نماز باطل است	نماز صحیح است	نماز باطل است	نماز صحیح است	اگر پیش از رکوع باشد بنشیند و تشهد و تسلیم بجا آورد و نماز را تمام کند و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و احتیاطا دو سجده سهو نیز بکند و اگر بعد از رکوع باشد خواه پیش از سجود یا بعد از آن یک وجه آنست که بنا را بر سه گذارد و نماز را تمام کند و وجه دیگر آنست که بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد و سجده سهو نیز بجا آورد و این برای شهید اقوی است
اگر شک تعلق کرد به رکعت ششم یا زیاده	نماز باطلست	نماز باطلست	نماز باطلست	نماز باطلست	اکثر [illegible] باطلست	مشهور میان علما باطل بودن نماز است و بعضی بر آنند که بنا را بر کمتر نهد و حکم این مثل حکم تعلق شک به رکعت پنجم است

بیان احکام شك در افعال نماز پس اگر شخصی شك كند در فعلی و آن محل آن فعل گذشته باشد و داخل در

فعل دیگر شده باشد آن شك اعتبار ندارد و اگر محل آن فعل باقی باشد آن را بجا می آورد و نماز صحیح است خواه شك در دو رکعت اول باشد و خواه دو رکعت آخر و خواه رکن باشد و خواه واجب غیر رکن و چون بعضی از علما گفته اند که هر شکی که در دو رکعت اول واقع شود نماز باطل میشود احوط برای مجتهد الزمانی آنست که عمل بمقتضای شك کرده اعاده نیز بکند خصوصا در صورتی که شك متعلق برکن دو رکعت اول گرفته باشد و اگر در فعلی شك کند و محل آن باقی باشد و آن را بجا آورد و بعد از آن بخاطرش آید که آن فعل را پیشتر کرده بود اگر آن فعل رکن باشد مانند تکبیر احرام و رکوع و غیره نماز باطل گردد و اگر غیر رکن از واجبات دیگر باشد ضرر ندارد و اگر بعد از گذشتن از محل شك کند و برگردد و آن فعلی را که در آن شك کرده بجا آورد مشهور آنست که نماز باطل گردد و هر شکی که بعد از فارغ شدن از نماز عارض شود اعتبار ندارد خواه در رکعات باشد و خواه در افعال و اگر شك کند که آیا از برای نماز ظهر مثلا نیت ظهر کردم یا نیت عصر جمعی گفته اند که اعاده نماز باید نمود و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که شك اعتبار ندارد خواه در اثنای نماز باشد و خواه بعد از آن و درین جدول شك در افعال نماز و گذشتن از محل هر یك بیان شده

در بیان شك در افعال نماز	در بیان محل هر یك از اجزا	در بیان احکام از صحت و بطلان نماز و غیره
اگر کسی شك کند در نیت	بعد از آنکه تکبیر احرام گفته باشد	شك آن اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است
اگر شك کند در تکبیر احرام	بعد از آنکه شروع در قراءت حمد کرده باشد	شك آن اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است
اگر شك کند در خواندن حمد	بعد از آنکه شروع بسوره کرده باشد	محل خلافست و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که ملتفت نشود و احوط آنست که اعاده نماز نیز بکند
و اگر کسی شك کند در قراءت	بعد از آنکه شروع در قنوت کرده باشد	محل خلافست و اقوی برای مجتهد الزمانی آنست که ملتفت نشود و نماز صحیح است
و اگر کسی شك کند در قراءت	بعد از آنکه شروع در خم شدن کرده باشد و هنوز بحد رکوع نرسیده باشد	اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که اعتبار ندارد و احوط آنست که نماز را تمام کند و اعاده نیز بکند
و اگر شك کند در قراءت	و بحد رکوع رسیده باشد	البته ملتفت نشود و نماز را تمام کند و صحیح است
و اگر شك کند در رکوع	در وقتی که ایستاده باشد	باید که رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و صحیح است
و اگر شك کند در ذکر رکوع یا درنگ کردن در آن یا سایر واجبات آن	بعد از برخاستن از رکوع	در این صورت شك آن اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است
و اگر کسی شك کند در رکوع	و از برای سجود خم شده باشد و هنوز سر بسجده نگذاشته باشد	محل خلافست و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که التفات نکرده نماز را تمام کند و احتیاطا اعاده نیز بکند
و اگر کسی شك کند در رکوع	بعد از رفتن بسجود	ملتفت نشود و نماز را تمام کند و صحیح است
اگر شك کند که سجده کرده ام یا در اصل سجده نکرده ام	و این شك را وقتی کند که نشسته باشد	باید که دو سجده بجا آورد و نماز را تمام کند و صحیح است
و اگر شك کند که یك سجده کرده ام یا دو سجده	و نشسته باشد	باید که یك سجده را بجا آورد و نماز صحیح است
اگر شك کند در دو سجده اول یا در یك [illegible]	و از برای سجده دویم خم شده باشد و هنوز سر بسجده نگذاشته باشد	محل خلافست و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که ملتفت نشود

اگر شك

اگر شك کند در درست سر برداشتن از سجده اول یا درنگ کردن در آن	و سر بسجده دویم گذاشته باشد	باید که البته ملتفت بشك نشود و نماز صحیح است
و اگر کسی شك کند در سجده	بعد از شروع در برخاستن و هنوز راست نایستاده باشد	خلافست و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که برگردد و سجده ها را بجا آورد
و اگر کسی شك کند در سجود	بعد از آنکه راست ایستاده باشد	ملتفت نشود و نماز را تمام کند و صحیح است
اگر شك کند در ذکر سجود یا درنگ کردن در آن یا سایر واجبات آن غیر گذاشتن جبهه بر زمین	بعد از سر برداشتن از سجود	شکش اعتبار ندارد و نماز را تمام کند و صحیح است
اگر شك کند در سجده	بعد از شروع در خواندن تشهد	اشهر و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که اعتبار ندارد
اگر شك کند در تشهد	در اثنای برخاستن	محل خلافست و اظهر برای مجتهد الزمانی آنست که التفات نکند و شاید اعاده احوط باشد
اگر شك کند در تشهد	بعد از راست ایستادن	باید که ملتفت نشود و نماز را تمام کند و صحیح است

در بیان واجبات و شروط و کیفیت نماز احتیاط و واجبست در نماز احتیاط آنچه در نماز اصل واجبست

پس باید که نیت کند و نیت چنین کند که دو رکعت نماز ایستاده میکنم جهت احتیاط نماز فرض ظهر مثلا از برای آنکه واجبست ادا قربة الی الله و اگر یك رکعت کند باید که نیت یك رکعت کند و اگر نشسته کند باید که قصد نشستن کند و اگر بعد از وقت باشد قصد قضا کند و بعد از نیت تکبیر بگوید و بعد از آن حمد بخواند بی سوره و آهسته قراءت کند و درین نماز بجای حمد تسبیحات اربع نخواند که مجزی نیست و در سایر واجبات و تشهد و تسلیم مثل نماز اصل است و ظاهر آنست که قنوت ندارد و معتبر است در نماز احتیاط آنچه در نماز اصل معتبر است از طهارت و استقبال قبله و پوشانیدن عورت و غیره و اگر در میان نماز اصل و نماز احتیاط منافی واقع شود مثل حدث یا پشت بقبله کردن و غیره رای شهید اول علیه الرحمه آنست که نماز اصل باطل نگردد و بعضی از مجتهدین نماز را باطل میدانند و مجتهد الزمانی اگر وقت بیرون رود نماز باطل نگردد اما در نماز احتیاط نیت قضا باید نمود و اگر بعد از نماز احتیاط یا در اثنای آن ظاهر شود که نماز اصل کم بوده ملتفت نشود برای شهید اول و بعضی گفته اند که اگر در اثنای نماز احتیاط باشد اعاده نماز باید کرد و اگر در اثنای نماز احتیاط ظاهر شود که نماز اصل تمام بوده اختیار دارد خواهد نماز را تمام کند و اگر خواهد قطع کند تمام شد احکام نماز احتیاط بعون الله تعالی

در بیان احکام شك پیش نماز و ماموم در نماز جماعت اگر امام در چیزی شك کند و ماموم آن را حفظ

کرده باشد امام رجوع بیقین ماموم میکند و اگر ماموم شك کند رجوع بیقین امام میکند و شك اعتبار ندارد و ضابطه آنست که صاحب شك رجوع بصاحب یقین یا ظن میکند و صاحب ظن رجوع بصاحب یقین خواه امام باشد و خواه ماموم و احتمالات آن بعد از این در این جدول بیان میشود و اگر شك کند در چیزی خواه در افعال نماز و خواه در عدد رکعتهای نماز و دیگری که نه پیش نماز باشد و نه ماموم ایشان را خبر دهد بیکی از دو طرف آن چیزی که شك در آن کرده اند اگر از آن گفته ظن بهم رسد بنا بر آن میگذارند اگر چه آن شخص عادل نباشد یا طفل باشد و اگر از گفته او ظن بهم نرسد عمل بحکم شك خود میکنند اگر چه خبر دهنده عادل باشد موافق مشهور و اگر امام کاری بکند که سبب سجده سهو باشد و ماموم آن کار را نکند سجده سهو بر امام واجب گردد و در وجوب سجده بر ماموم خلاف کرده اند و برای مجتهد الزمانی واجب نبودن سجده بر ماموم اقوی است و واجب بودن آن احوط است و اگر ماموم کاری بکند که موجب سجده سهو باشد و امام آن کار را نکند شکی نیست که بر امام چیزی لازم نگردد و آیا درین صورت بر ماموم سجده سهو واجب باشد یا نه خلاف کرده اند و اظهر و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که واجب باشد بلا خلاف و بعد از این در جدول احتمالات شك امام و ماموم بیان میشود

هر گاه که امام در چیزی شك کند و ماموم یقین بآن داشته باشد	باید که امام عمل بیقین ماموم کند هر چند که ماموم یکی باشد و عادل نباشد و از قول او ظن بهم نرسد	مثل آنکه امام شك کند میان سه و چهار و ماموم جزم داشته باشد بسه و بیاید که امام را تردد بهم رسیده باید که ماموم او را اخبار کند بانکه سه مرتبه سبحان الله گوید یا مثل این [illegible]
اگر ماموم در چیزی شك کند و امام یقین بآن داشته باشد	باید که ماموم رجوع بیقین امام کند	مثل آنکه ماموم شك کند میان یك و دو و امام یقین بدو داشته باشد باید که ماموم تابع امام شود و شك خود [illegible]
اگر امام شك کند و ماموم ظن داشته باشد	امام رجوع بظن ماموم کند موافق مشهور	مثل آنکه امام شك کند میان دو و سه و ماموم ظن بسه داشته باشد امام رجوع بظن ماموم کند
اگر ماموم شك کند و امام ظن داشته باشد	ماموم عمل بظن امام کند	مثل آنکه ماموم شك کند میان چهار و پنج و امام ظن بچهار داشته باشد ماموم رجوع بظن امام کند
اگر امام در چیزی یقین و ماموم در چیزی ظن داشته باشد	ماموم رجوع بیقین امام کند	موافق مشهور و بعضی از متاخرین میل کرده اند بانکه از هم جدا شوند صاحب یقین بیقین خود و صاحب ظن بظن خود عمل کند اما مشهور قول اول است
اگر ماموم یقین و امام ظن داشته باشد	امام رجوع بیقین ماموم کند	مشهور آنست که صاحب ظن رجوع بصاحب یقین کند و خلاف متاخرین درین صورت هم جاریست
اگر هر یك از امام و ماموم یقین در چیزی داشته باشند اما یقین هر یك مخالف دیگری	باید که هر یك عمل بیقین خود کنند	مثل آنکه امام یقین داشته باشد بچهار و ماموم یقین داشته باشد بسه از هم جدا شوند امام نماز را تمام کند و سلام دهد و ماموم قصد انفراد کرده یك رکعت دیگر بکند
اگر هر یك از امام و ماموم ظن در چیزی داشته باشند اما ظن هر یك مخالف دیگری	باید که هر یك عمل بظن خود کنند	مثل آنکه امام ظن داشته باشد بسه و ماموم ظن داشته باشد بچهار ماموم تشهد بخواند و سلام گوید و امام یك رکعت دیگر بجا آورد

و اگر امام و ماموم هر دو شك داشته باشند خالی از این نیست که شك ایشان یا موافق است یا مخالف و در صورتی که مخالف باشد امر مشترکی در میان شکهای ایشان هست یا نه و بالجمله از این بیرون نیست [illegible] و بیان شقوق و احکام هر یك درین جدول شده است و الله ولی التوفیق

اگر شك امام و شك ماموم متفق باشد و شك ایشان مبطل نماز باشد	باید که همه نماز را از سر گیرند	مثل آنکه شك کنند در میان یك و دو و نماز باطل است چنانکه پیشتر مذکور شد و باید که نماز را از سر گیرند
اگر شك امام و شك ماموم متفق باشد و شك ایشان مبطل نباشد	باید که همه عمل بحکم آن شك کنند	مثل آنکه همه شك کنند میان سه و چهار بنا را بر چهار میگذارند و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یك رکعت ایستاده کنند و ظاهرا اگر نماز احتیاط را بجماعت نکنند احوط باشد برای مجتهد الزمانی
اگر شك امام و شك ماموم مخالف هم دیگر باشد و اما امر مشترکی در میان شك هر دو باشد	باید که همه رجوع بآن امر مشترك کنند و نماز را تمام کنند	مثل آنکه امام شك کند میان دو و سه و ماموم میان سه و چهار پس سه امر مشترك است چون هر دو در احتمال سه شریکند بنا را بر سه میگذارند و نماز را تمام میکنند و نماز احتیاط در کار نیست و اگر امام شك کند در میان دو و سه و چهار و ماموم میان سه و چهار پس امر مشترك میان سه و چهار است بنا را بر چهار میگذارند و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا می آورند و اگر اعاده نماز نیز بکنند شاید احوط باشد
اگر شك امام مخالف مامومین و شك مامومین نیز مخالف هم باشد و امر مشترکی در میان همه باشد	باید که همه رجوع بآن امر مشترك کنند	مثل آنکه امام شك کند میان دو و ~~سه و ماموم میان چهار و پنج شك کند بانه~~ سه و چهار و بعضی میان چهار و پنج بنا را بر چهار میگذارند و نماز را تمام میکنند و دو رکعت نماز نشسته میکنند
اگر شك امام مخالف مامومین باشد خواه مامومین متفق باشند و خواه مخالف و امر مشترکی در میان نباشد	باید که جدا شوند و هر یك عمل بحکم شك خود کنند	مثل آنکه امام شك کند میان دو و سه و ماموم میان چهار و پنج امام بنا را بر سه میگذارد و نماز را تمام میکند و بعد از آن یك رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا می آورد و ماموم بنا را بر چهار میگذارد و تشهد میخواند و سلام میدهد و بعد از نماز سجده سهو بجا می آورد

در بیان احکام

بلغ

در بیان احکام کثیر الشك و کثیر السهو

بدانکه چون شك بحد بسیار رسد او را کثیر الشك گویند و خلاف کرده اند در تعریف آن که اگر کسی آنقدر شك کند که در عرف گویند که او بسیار شك میکند کثیر الشك است و این قول برای مجتهد الزمانی اقوی است و بعضی گفته اند اگر کسی در سه نماز پی در پی شك کند یا در یك نماز سه شك کند کثیر الشك است و مجتهد الزمانی گفته اند که از بعضی احادیث ظاهر میشود که اگر کسی مدتی برین حال باشد که در هر سه نماز یك شك کند او کثیر الشك است و چون سه نماز بی شك بکند از آن حکم بیرون می آید و مشهور قول اول است پس هر گاه کسی کثیر الشك شود حکم شك از او ساقط است چنانکه بعد ازین در جدول بیان میشود و اگر در جائی بسبب شك سجده سهو واجب باشد بر کثیر الشك واجب نیست و اگر کثیر الشك عمل باحکام شك کند موافق مشهور نمازش [illegible] و اگر در میان نماز تدارك فعلی کند که باعتبار کثرت شك نباید کرد مشهور آنست که نمازش باطل گردد و جدول بیان احکام کثیر الشك اینست

اگر کثیر الشك در فعل واجبی از واجبات نماز شك کند	باید که آن را تدارك نکند هر چند که وقت آن فعل واجب باقی باشد	و اگر بعد از گذشتن از محل آن واجب بخاطرش آید که آن را نکرده بود [illegible]
و اگر شك کند در رکنی از ارکان نماز	باید که آن را تدارك نکند هر چند که از محل آن رکن نگذشته باشد	و اگر بعد از گذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید که آن را نکرده بود نمازش باطل گردد موافق مشهور و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که نماز را تمام کند و اعاده نیز بکند
و اگر شك کند در یك سجده یا شك کند در تشهد	باید که تدارك نکند هر چند که از محل آنها نگذشته باشد	و اگر بعد از گذشتن از محل آن بخاطرش آید که آن را نکرده بود باید که بعد از نماز آن را بجا آورد و سجده سهو لازم نگردد و مجتهد الزمانی گفته اند که احتیاطا سجده سهو نیز بکند
و اگر کثیر الشك شك کند در عدد رکعتهای نماز	باید که بنا را بر اکثر بگذارد مگر آنکه اقل اصح باشد که بنا را بر اقل میگذارد مثل آنکه در نماز چهار رکعتی شك کند میان سه و چهار بنا را بر چهار میگذارد و نماز را تمام میکند و نماز احتیاط از او ساقط است و اگر شك کند میان چهار و پنج مثلا بنا را بر چهار میگذارد [illegible]	و اگر کثیر الشك شك کند در رکعتهای نماز [illegible] و نماز را تمام کند [illegible] و اگر بعد از آن بخاطرش آید [illegible] باید که نماز را اعاده کند

در بیان احکام کثیر السهو

و اگر کسی سهو بسیار کند که اعمال نماز را فراموش کند بعضی گفته اند که او حکم کثیر الشك دارد [illegible] و اظهر برای مجتهد الزمانی اقوی است و بعضی گفته اند که احکام آن را بجا آورد [illegible] و احکام کثیر السهو درین جدول بیان میشود

اگر کثیر السهو واجبی از واجبات نماز را فراموش کند	اگر پیش از گذشتن از محل آن واجب بخاطرش آید باید که آن را تدارك کند و نمازش صحیح است	و اگر بعد از گذشتن از محل بخاطرش آید که آن واجب را نکرده باید که تدارك نکند و نمازش صحیح است
و اگر رکنی از ارکان نماز را فراموش کند	اگر پیش از گذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید باید که آن را تدارك کند و نمازش صحیح است	و اگر بعد از گذشتن از محل آن رکن بخاطرش آید که آن رکن را نکرده است نمازش باطل است
و اگر سجده نماز یا تشهد را فراموش کند	اگر پیش از گذشتن از محل آن بخاطرش آید باید که آن را تدارك کند و نمازش صحیح است	و اگر بعد از گذشتن از محل آن بخاطرش آید که آن را نکرده است باید که بعد از نماز آن را تدارك کند و علما گفته اند که سجده سهو از او ساقط میشود و اظهر و احوط برای مجتهد الزمانی آنست که سجده سهو را نیز بجا آورد

در بیان بقیه احکام سهو و شکوک در پنج جدول بیان میشود و بدانکه باید دانست که شک وقتی اعتبار دارد که هر دو طرف آن مساوی باشد که اگر ظن بیک طرف غالب باشد عمل بآن میباید کرد خواه در عدد رکعات اول نماز باشد و خواه در رکعات آخر و خواه در عدد رکعتها است و خواه در افعال بنابر مشهور و بعضی گفته‌اند که در عدد رکعات اول علم باید و ظن کافی نیست و اگر در عدد رکعات اول عمل بظن کند و اعاده نیز بکند برای مجتهد الزمانی احوط است و احکام ظن در این جدول بیان شده است

اگر شخصی شک کند در میان دو و سه در نماز چهار رکعتی	اگر کاتش بدو بیشتر باشد باید که رکعت دیگر بکند	و اگر گمانش بسه بیشتر باشد یک رکعت دیگر میکند و نماز احتیاط در کار نیست
و اگر در نماز چهار رکعتی شک کند در میان سه و چهار	اگر کمانش بسه بیشتر باشد یک رکعت دیگر میکند	و اگر کمانش بچهار بیشتر باشد سلام میگوید و چیزی بر او نیست و ابن بابویه علیه الرحمه گفته که در این صورت [illegible]
و اگر در نماز چهار رکعتی شک کند [illegible]	[illegible]	و اگر گمانش به پنج بیشتر باشد نمازش باطل است [illegible]

[illegible]

و همچنین اگر پنج نماز شبانه روزی فوت شود و نداند که در سفر فوت شده یا در حضر پس هشت نماز بهمین طریق بگذارد و اگر نمازی در حال صحت از شخصی فوت شده باشد و آن شخص در آن حال قادر بر ایستادن و همه افعال نماز باشد جایز است که قضای آن را در حال بیماری که قادر بر ایستادن نباشد قضای آن را بجا آورد و افعال آن را بهمه مقدور بجا آورد و لازم نیست بر او که منتظر ایام صحت و قدرت باشد پس بیماری که قادر بر ایستادن نباشد جایز است که نشسته نماز کند خواه نماز ادا باشد و خواه قضا و اگر قادر بر نشستن نباشد بر پهلوی راست خوابیده نماز کند و اگر از آن نیز عاجز شود بر جانب چپ و چون از آن نیز عاجز شود بر پشت بخوابد بطریق وقت احتضار و رکوع و سجود را باشاره سر بجا آورد و اگر از اشاره سر نیز عاجز باشد بچشم اشاره کند [illegible] و برداشتن است اما باید که از برای سجود چشمها را بیشتر بهم کذارد و قرائت و باقی ذکرها را بجا آورد و گفته‌اند که اگر از همه عاجز شود باید که افعال نماز را بترتیب بخاطر بگذراند [illegible]

[illegible]

فصل دوم در بیان احکام و کیفیت نماز خوف و احکام آن سه چیز است چنانکه در این جدول بیان شده

سیم	دویم	اول
هر گاه خوف حاصل شود از دشمنی یا دزدی یا سبعی یا حیوان درنده جایز است که نماز خوف بگذارند [illegible]	واجب است با خوف داشتن سلاح مثل شمشیر و نیزه [illegible]	خوف موجب قصر نماز گردد در سفر اجماعا و در حضر هر گاه آن را بجماعت بگذارند و اگر در حضر تنها بگذارند بعضی از علما بر آنند که قصر نباید کرد و بعضی گفته‌اند که قصر باید نمود و مشهور آنست که قصر باید نمود

در بیان کیفیت نماز خوف هر گاه که آن را بجماعت بگذارند و خوف بعضی بر سر است

پس هر گاه که خوف حاصل شود و دشمنان در غیر جهت قبله باشند و اهل اسلام اراده نمایند که نماز را بجماعت بجا آورند و بترسند که در اثنای نماز دشمنان بر ایشان حمله آورند باید که دو فرقه شوند اگر احتیاج بزیاده از دو فرقه نباشد یک فرقه نماز را بجماعت بگذارند و فرقه دیگر محافظت و حراست ایشان نمایند و پیش نماز با یک فرقه یک رکعت بگذارد و چون برکعت دویم برخیزد آن فرقه قصد انفراد نمایند و رکعت دویم را منفرد بگذارند و چون فارغ شوند بحراست مشغول شوند و فرقه دیگر آیند و پیش نماز در اثنای قرائت رکعت دویم باشد [illegible]

[illegible]

فصل سیم در بیان نماز جمعه و واجبات آن و در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام علیه السلام در بیان اختلافست

بعضی از علما آن را واجب تخییری میدانند یعنی مکلف در روز جمعه واجب است که یا نماز جمعه یا نماز ظهر را بکذارد اما افضل آنست که نماز جمعه بکذارد و بعضی کذاردن نماز جمعه را در زمان غیبت حرام میدانند و جمعی از علما آن را واجب عینی میدانند یعنی در روز جمعه واجبست که نماز جمعه بکذارند بجای نماز ظهر و شیخ زین الدین علیه الرحمه فی رسالته رحمه الله تعالی آن را واجب عینی میدانند و نماز جمعه دو رکعت نماز است مثل نماز صبح اما در نماز صبح یک قنوت در رکعت دویم سنت است و در نماز جمعه دو قنوت سنت است در رکعت اول قنوت را بعد از قرائت و پیش از رکوع باید خواند و در رکعت دویم قنوت را بعد از رکوع باید خواند اما هر دو قنوت سنت است و باید که جمع میان نماز جمعه و نماز ظهر نکند که اگر نماز جمعه صحیح واقع شود مجزیست از نماز ظهر و نماز جمعه با وجود وجوب از هشت نفر ساقط است چنانکه درین جدول بیان میشود یعنی برین هشت نفر واجب نیست که از برای نماز جمعه حاضر شوند و اما اگر حاضر شده باشند واجب میشود که نماز جمعه را بجا آورند و نماز جمعه بسبب ایشان منعقد میکردد موافق مشهور و بعضی بر آنند که بسبب ایشان نماز منعقد نمیشود و بر ایشان نماز واجب نکردد هر چند که در جائی که نماز جمعه بکذارند حاضر شوند و در بنده خلاف کرده اند و آن هشت نفر که نماز جمعه از ایشان ساقط است درین جدول بیان میشود

اول	دویم	سیم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم
زن	بنده	مسافر	کور	پیر عاجز	بیمار عاجز	شلی که از راه رفتن عاجز باشد

هشتم کسی که از دو تا جائی که نماز جمعه کذارده میشود زیاده بر دو فرسخ باشد

و واجبات مخصوصه نماز جمعه نه چیز است چنانکه درین جدول بیان هر یک از آنها میشود

اول	دویم	سیم
ملاحظه وقت و وقت آن از زوال آفتاب است تا آنکه سایه هر چیز بعد از زوال حاصل میشود مثل شاخص شود موافق قول مشهور و بعضی از علما بر آنند که وقت نماز جمعه مثل وقت نماز ظهر است یعنی تا وقتی که نماز ظهر را میتوان کرد نماز جمعه را نیز میتوان کرد	صحیح است نماز جمعه هر کاه شروع بان کرده باشند پیش از بیرون رفتن وقت هر چند که همین تکبیر احرام را کفته باشند برای شهید اول و بعضی کفته اند که اگر یک رکعت را در وقت بجا آورده باشند نماز جمعه صحیح است و الا باید که نماز ظهر بجا آورند و این قول ثانی موافق رای شهید ثانیست	باید که نماز جمعه را بجماعت بکذارند که بتنهائی کذاردن آن حرام است و [illegible] رکعت اول نماز حاضر شده باشد و وقتی حاضر شود که امام در رکوع رکعت دویم باشد باید که تکبیر بکوید و ملحق کردد [illegible]
چهارم	**پنجم**	**ششم**
باید جماعتی که نماز جمعه میکذارند یکی از آنها امام باشد که یکی از ایشان پیش نماز باشد یعنی بغیر از پیش نماز باید که چهار نفر دیکر باشد که مجموع پنج نفر باشد موافق مشهور و بعضی کفته اند باید که [illegible] هفت نفر باشند یعنی مجموع هفت نفر باشند	و واجبست که پیش از نماز دو خطبه بخوانند که هر یک از آنها مشتمل باشد بر حمد و ثنای خدای تعالی و صلوات بر پیغمبر و [illegible] و وعظ و نصیحت بلکه سوره کوتاه یا یک آیه تامة الفایده	باید که خطیب در وقت خطبه خواندن ایستاده باشد اکر قدرت بر ایستادن داشته باشد و در میان دو خطبه بنشیند [illegible] طهارت شرط است در خطبه یا نه خلاف کرده اند و احوط برای شهید ثانی و بعضی از علما [illegible]
هفتم	**هشتم**	**نهم**
باید که خطبه را چنان بخوانند که عدد معتبر که پنج نفر یا هفت نفر است بشنوند موافق قول اکثر و یا واجب است ترک حرف زدن در اثنای خطبه و متوجه شنیدن آن شدن [illegible] خلاف کرده اند بعضی حرام دانسته اند و بعضی مکروه دانسته اند	منعقد نمیکردد نماز جمعه مکر با امام علیه السلام یا نایب خاص آن یا با فقیه در هنکامی که اجتماع ممکن باشد در حال غیبت امام علیه السلام	هر کاه دو جماعت در دو جا نماز جمعه بکذارند واجبست که در میان ایشان یک فرسخ یا زیاده بر آن فاصله باشد [illegible]

فصل چهارم در بیان نماز عیدین یعنی نماز عید قربان و نماز عید رمضان و واجب اند این دو نماز بشرط نماز جمعه

و باید که آن را بجماعت بکذارند و با اختلال شرط سنت است کذاردن آن و افضل آنست که آن را بجماعت بکذارند و بتنهائی نیز جایزست که [illegible] بکذارند و هر کاه که کذاردن آن سنت باشد و واجبات مخصوصه آن سه چیز است چنانکه درین جدول بیان آنها میشود

حدول آن

اول	دویم	سیم
رعایت وقت و وقت آن از طلوع آفتاب روز عید است تا زوال و اگر شخصی این نماز را بجا نیاورد تا آنکه وقت بیرون رود قضا ندارد خواه دانسته ترک کرده و خواه از روی فراموشی چنانکه در مبحث قضا مذکور شد	باید که پنج تکبیر بعد از قرائت در رکعت اول بکوید و چهار تکبیر بعد از قرائت رکعت دویم و بعد از هر تکبیری قنوت باید خواند و در وجوب این تکبیرها و قنوتها خلاف کرده اند بعضی از علما واجب و بعضی سنت میدانند	باید که بعد از نماز دو خطبه بخوانند و در وجوب این دو خطبه خلاف کرده اند بعضی از علما واجب و اکثر سنت میدانند و باید که این دو خطبه را بعد از نماز بخوانند و مقدم داشتن آنها بر نماز بدعت است

و کیفیت نماز عیدین اینست که اول نیت کند و بعد از آن تکبیر احرام بکوید و بعد از آن حمد بخواند و بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند و بعد از آن پنج تکبیر بکوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت بخواند و بعد از آن تکبیر رکوع را بکوید و برکوع برود و بعد از رکوع دو سجده بجا آورد و برخیزد و حمد و سوره بخواند و بعد از آن چهار تکبیر بکوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت بخواند و بعد از آن تکبیر رکوع میکوید و برکوع میرود و بعد از آن دو سجده میکند و تشهد میخواند و سلام میدهد و در قنوت هر دعائی که خواهد بخواند و اگر این قنوت منقول را بخواند بهتر است بقول اکثر علما و قنوت منقول اینست که اللهم اهل الکبریاء و العظمة و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی و المغفرة اسالک بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد صلی الله علیه و آله ذخرا و شرفا و مزیدا ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا و آل محمد و ان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلواتک علیه و علیهم اجمعین اللهم انی اسئلک خیر ما سئلک به عبادک الصالحون و اعوذ بک مما استعاذ منه عبادک المخلصون پس تکبیرات زایده درین نماز نه تکبیر است بغیر تکبیر احرام و تکبیر رکوع [illegible]

و قنوت

فصل پنجم در بیان نماز آیات یعنی کرفتن آفتاب و ماه و زلزله و بادهای سیاه و زرد و سرخ و امور آسمانی که باعث خوف باشد

و واجبست نماز از برای کرفتن آفتاب و ماه و زلزله و در باقی آیات خلاف کرده اند بعضی نماز را از برای تمام آنها واجب میدانند و بعضی سنت و اما برای شهید اول و بعضی از علما نماز از برای امور مذکوره واجبست و درین جدول بیان وقت هر یک از آنها میشود و جدول اینست

در بیان وقت کرفتن نماز آفتاب و ماه	در بیان وقت نماز زلزله	در بیان اوقات آیات دیکر
و وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای کرفتن آفتاب و ماهست و آخر وقت آن شروع در انجلاست موافق قول اکثر علما و سید مرتضی علیه الرحمه آخر وقت را تمام انجلا میدانند و اکر وقت وسعت نماز نداشته باشد نماز [illegible] موافق قول محقق علیه الرحمه و بعضی دیکر از علما [illegible] و احکام قضای نماز کسوف و خسوف پیش ازین در مبحث قضا مذکور کردید	و هر کاه که زلزله واقع شود نماز واجب کردد هر چند که زمان آن طول نداشته باشد و نماز زلزله را نیت ادا باید کرد هر چند که ساکن شده باشد و علما کفته اند که نماز زلزله در تمام عمر اداست پس هر وقت که آن را بجا آورد بنیت ادا باید کذارد	و سایر آیات هر کاه که بهم رسند نماز واجب کردد بنا بر رای جماعتی که نماز از برای آنها واجب میدانند و [illegible] کفته اند که اکر وقت وسعت نماز داشته باشد نماز واجب کردد و اکر نداشته باشد نماز ساقط است و بعضی از علما بر آنند که اکر وقت کنجایش طهارت و یک رکعت نماز داشته باشد نماز واجبست و اکر کمتر ازین باشد ساقط است

نماز آیات دو رکعتست بطریقی که بعد ازین مذکور میکردد و واجبات مخصوصه آن چهار چیز است چنانکه درین جدول بیان میشود

اول	دویم	سیم	چهارم
واجبست که در هر رکعتی پنج رکوع بجا آورند که در دو رکعت ده رکوع بجا آورده شود و خواندن پنج قنوت درین نماز سنت است دو قنوت در رکعت اول و سه قنوت در رکعت دویم چنانکه مذکور کردد	باید که در هر رکعتی حمد را مکرر بخواند در هر رکوعی هر کاه که سوره را تمام بخواند و اکر تبعیض سوره نماید باید که در رکعت اول و دویم حمد بخواند و در هر جا که سوره را تمام کند بعد از آن حمد بخواند چنانکه مذکور خواهد شد	جایز است که در هر رکعتی تبعیض سوره نماید یعنی [illegible] از هر رکوعی یک آیه یا زیاده بر آن بخواند و اما اکر تبعیض سوره نماید باید که در هر رکعتی یک سوره تمام خوانده شود یا زیاده بر آن و کمتر از یک سوره صحیح نیست	اکر در عدد رکوعهای این نماز شک کند باید که بنا را بر کمتر کذارند و نماز را اتمام کنند بنا بر مشهور و اکر شک در عدد رکعتهای نماز بهم رساند نماز باطل کردد چنانکه در مبحث شکیات نماز مذکور شد

و این نماز را به دو طریق میتوان کذارد یک طریق آنکه در هر رکعتی پیش از رکوع حمد و سوره تمام بخوانند و برکوع روند و چون سر از رکوع بردارند باز حمد و سوره تمام بخوانند و برکوع روند همچنین تا پنج رکوع تمام شود و بسجود روند و بعد از آن رکعت دیکر مثل رکعت اول بجا آورند و بعد از سجود تشهد و سلام بخوانند و نماز را اتمام کنند و اکر خواهند در هر رکعتی تبعیض سوره نمایند یعنی قدری از سوره بخوانند [illegible] طریق بعد ازین در جدول مذکور میکردد تا فهم آن آسان تر باشد

در بیان کیفیت نماز آیات هر کاه که پیش از رکوعها آن سوره را تمام بخوانند و خواندن قنوتها سنت است و باقی افعال واجبست

رکعت اول نماز اول نیت کنند و بعد از آن تکبیر احرام بکویند

احکام رکوع اول	احکام رکوع دویم	احکام رکوع سیم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
بعد از تکبیر احرام الحمد و سوره که خواهند بخوانند و بعد از آن برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره که خواهند بخوانند بعد از آن قنوت بخوانند و برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره تمام بخوانند و بعد از آن باز برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند و بعد از آن برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره تمام بخوانند و برکوع روند و چون سر از رکوع بردارند بسجود روند و [illegible] بجا آورند و بعد از آن برکعت دویم برخیزند

رکعت دویم نماز

احکام رکوع اول	احکام رکوع دویم	احکام رکوع سیم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
و چون از سجود برخیزند حمد و سوره تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند و بعد از آن برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره تمام بخوانند و بعد از آن باز برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره تمام بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند و بعد از آن برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره تمام بخوانند و بعد از آن باز برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد و سوره تمام بخوانند بعد از آن قنوت بخوانند و برکوع روند و چون سر از رکوع بردارند بسجود روند و بعد از سجود تشهد و سلام بجا آورند و نماز را اتمام کنند

و اکر خواهند که در هر رکعتی تبعیض سوره کنند جایز است یعنی بعد از حمد یک آیه یا زیاده بر آن از سوره بخوانند و برکوع روند و چون سر از رکوع بردارند از همان جا که سوره را قطع کرده اند یک آیه یا زیاده بر آن بی حمد بخوانند و برکوع روند همچنین کنند تا رکوع پنجم سوره تمام شود و اکر پیش تر از رکوع پنجم سوره را تمام کنند باید که چون برکوع روند و سر از رکوع بردارند حمد بخوانند و ضابطه آنست که در رکعت اول و دویم حمد باید خواند و در هر جا که سوره را تمام کنند و بعد از تمام کردن سوره برکوع روند و چون سر از رکوع بردارند باید که حمد بخوانند و بعد از حمد اکر خواهند سوره تمام بخوانند و اکر خواهند یک آیه یا بیشتر بخوانند و اکر در اثنای رکوعها سوره را تمام نکنند باید که در رکوع آخر هر رکعتی یک سوره یا زیاده بر آن تمام کنند که در هر رکعتی کمتر از یک سوره تمام خوانده نشود و اکر در رکعت اول یک سوره تمام کنند و قدری از سوره بخوانند و بقیه آن را در رکعت دویم بخوانند [illegible] باید که یک سوره دیکر در رکعت دویم تمام کنند و اکتفا به بقیه آن سوره نکنند و در بیان این احکام ازین جدول ظاهر میشود ان شاء الله تعالی

رکعت اول نماز چنین است که اول نیت کنند و بعد از آن تکبیر احرام بکویند

احکام رکوع اول	احکام رکوع دویم	احکام رکوع سیم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
بعد از تکبیر احرام حمد بخوانند و بعد از آن یک آیه یا بیشتر از سوره بخوانند و سوره را اتمام نکنند و برکوع روند	چون سر از رکوع بردارند از همان جا که سوره را قطع کرده اند یک آیه بخوانند بی حمد بعد از آن قنوت بخوانند و برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند از همان جا که سوره را قطع کرده اند بی حمد بخوانند و اکر خواهند سوره را اتمام کنند و بعد از آن برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند حمد بخوانند و اکر خواهند یک آیه از سوره بخوانند بعد از آن قنوت بخوانند و بعد از آن باز برکوع روند	و چون سر از رکوع بردارند سوره را از همان جا که قطع کرده اند یک آیه بی حمد بخوانند و برکوع روند و چون سر از رکوع بردارند بسجود روند و دو سجده بطریقی که مقرر است بجا آورند و برکعت دویم برخیزند

رکعت دویم نماز

احکام رکوع اول	احکام رکوع دویم	احکام رکوع سیم	احکام رکوع چهارم	احکام رکوع پنجم
و چون از سجود برخیزند حمد بخوانند و سوره را از همان جا که قطع کرده بود یک آیه بخوانند بعد از آن قنوت بخوانند و بعد از آن برکوع رود	و چون سر از رکوع بردارند سوره را از همان جا که قطع کرده بی حمد بخوانند و اکر خواهند سوره را تمام کنند و بعد از آن باز برکوع رود	چون سر از رکوع بردارند حمد بخوانند و اکر خواهند یک آیه از سوره بخوانند و بعد از آن قنوت بخوانند و بعد از آن باز برکوع رود	و چون سر از رکوع بردارند یک آیه از سوره از همان جا که قطع کرده بی حمد بخوانند و بعد از آن برکوع رود	و چون سر از رکوع بردارند بقیه سوره بخوانند و باید که سوره را اتمام کنند بی حمد و بعد از آن قنوت بخواند و برکوع رود و سر از رکوع بردارد و بسجود رود و بعد از سجده تشهد و تسلیم بجا آورد و نماز را اتمام کند

فصل ششم در بیان نماز طواف خانه کعبه و واجبات مخصوصه آن دو چیز است

اول	دویم
آنکه این دو رکعت نماز را در مقام حضرت ابراهیم یا در پس مقام یا در یکی از دو جانب آن بکذارد و در صورت ضرورت در جای دیکر هم توان کذارد	آنکه نماز را بعد از فراغ از طواف و پیش از شروع در سعی بکذارند و اما دو رکعت زیارت را بعد از سعی بجا آورند

فصل هفتم در بیان واجبات و کیفیت نماز میت و این نماز واجب کفائیست یعنی هر کاه که کسی آن را بکذارد از دیکران ساقط میشود

و واجبست نماز کذاردن بر میت اکر مسلمان باشد یا بحکم مسلمان باشد مثل طفل مسلمانان هر کاه که شش سال تمام داشته باشد و اکر کمتر از شش سال داشته باشد نماز کردن بر آن سنت باشد هر کاه زنده متولد شده باشد و واجبات و احکام نماز میت ده چیز است چنانکه بیان هر یک از آنها در [illegible] مقارنات و واجبات نماز میت اینست

اول	دویم	سیم
باید که نماز کذارنده در وقت نماز از جنازه بسیار دور نایستد	باید که نماز کذاردن بر میت بعد از غسل دادن و کفن کردن باشد اکر او را کفن باشد	باید که در وقت نماز کذاردن میت را بر پشت خوابانیده باشند نه بر پهلو
چهارم	**پنجم**	**ششم**
باید که سر میت در وقت نماز کذاردن بجانب دست راست نماز کذارنده باشد	طهارت درین نماز شرط نیست بلکه جنب و زن حایض نیز این نماز را میتوانند کذارد	باید که نماز کذارنده در وقت نماز استقبال قبله نمایند
هفتم	**هشتم**	**نهم**
این نماز رکوع و سجود ندارد و تشهد و سلام در آخر نماز نیز ندارد و بعضی سلام را مکروه میدانند هر کاه که تقیه نباشد	باید که نماز را ایستاده بجا آورند اکر قدرت بر ایستادن داشته باشند و الا هر چند که تواند ایستاده بجا آورد بقول شهیدین	واجبست نیت کردن و بعد از نیت پنج تکبیر بکویند که یکی از آنها تکبیر احرام باشد [illegible] تکبیر ختم کنند

دهم باید که بعد از تکبیر اول شهادتین بکویند و بعد از تکبیر دویم صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و بعد از تکبیر سیم دعا کنند از برای مؤمنین و مؤمنات و بعد از تکبیر چهارم دعا کنند از برای میت اکر مؤمن و مکلف باشد و اکر طفل مسلمان باشد دعا کنند از برای پدر و مادر آن و بعد از آن تکبیر پنجم را بکویند و نماز را تمام کنند و موافق قول شهید و اکثر علما و محقق کفته که دعا در میان تکبیرات لازم نیست و کفته که اکر قایل شویم بوجوب دعا در میان تکبیرات لفظ معینی واجب نباشد

در بیان کیفیت نماز میت و دعاها که بعد از تکبیرات باید خواند [illegible] اکر خواندن دعاها بعد از تکبیرات واجب میداند

نیت کند و تکبیر اول بکوید و بعد از آن بکوید	تکبیر دویم را بکوید و بعد از آن بکوید	تکبیر سیم را بکوید و بعد از آن بکوید
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله	اللهم صل علی محمد و آل محمد	اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات

تکبیر چهارم را بکوید و بعد از تکبیر چهارم بکوید اللهم اغفر لهذا المیت و اکر زن باشد بکوید اللهم اغفر لهذه المیتة و اکر طفل باشد بکوید اللهم اجعله لابویه و لنا سلفا و فرطا و اجرا و بعد از آن تکبیر پنجم را بکوید و فارغ شود از نماز

در بیان نماز میت و دعاهای آن هر کاه که خواهد دعای مطول بخواند

نیت کند و تکبیر اول را بکوید و بعد از آن بکوید	تکبیر دویم را بکوید و بعد از آن بکوید	تکبیر سیم را بکوید و بعد از آن بکوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله	اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید	اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر

تکبیر چهارم را بکوید و بعد از تکبیر چهارم بکوید اللهم عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و احشره مع من کان یتولاه من الائمة الطاهرین و اکر مومنه باشد بکوید اللهم امتک و بنت عبدک و بنت امتک نزلت بک و انت خیر منزول به اللهم لا نعلم منها الا خیرا و انت اعلم بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها و ان کانت مسیئة فتجاوز عنها و احشرها مع من کانت تتولاه من الائمة الطاهرین و بعد از آن تکبیر پنجم بکوید

فصل ششم در بیان نمازی که بسبب نذر یا شبه نذر واجب شود مثل آنکه عهد یا سوگند کند واجب گردد

و نمازی که بسبب نذر یا شبه نذر واجب شود تابع نذر یا شبه نذر است پس بهر طریق که نذر کرده باشد باید که نماز را بهمان طریق بجا آورد اگر نذر مشروع باشد و ضابطه نذر مشروع آنست که فعل آن جایز باشد پیش از نذر در وقت واقع ساختن آن پس هر گاه نذر کند هیئات مشروعه را یا عدد مشروع را نذر که منعقد گردد اگر واقع ساختن آن هیئات در وقتش مشروع باشد هر چند که واقع ساختن آن هیئات در وقت نذر مشروع نباشد و اگر نذری کند از برای ترک واجب یا فعل حرام شکراً نذر منعقد نگردد و زجراً منعقد گردد و اگر نذری کند از برای ترک حرام یا فعل واجب زجراً منعقد نگردد و شکراً منعقد میگردد و صورتهائی که نذر منعقد گردد یا منعقد نگردد در این جدول بیان میشود بعون الله تعالی و جدول این است

جدول در بیان نذرهائی که صحیح باشد	و منعقد گردد	جدول در بیان نذرهائی که باطل باشد	و منعقد نگردد
اگر شخصی نذر کند که نماز دو رکعتی بهر رکعتی دو رکوع و چهار سجود و یک سلام بجا آورد چون هیئات نماز چنین مشروع است و مخالف هیئات نمازهای متعارف شرع نیست نذرش صحیح است	و منعقد گردد و اگر از برای ... [illegible]	و اگر نذر کند که دو رکعت نماز بچهار رکوع یا دو سجود و ما سوای آن بجا آورد چون هیئات این نماز مخالف هیئات نمازهای متعارف شرع است	نذرش صحیح نباشد
اگر شخصی نذر کند که دو رکعت نماز مثل نماز صبح بجا آورد	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که یک رکعت نماز با یک سلام بجا آورد	نذرش صحیح نیست
اگر شخصی نذر کند که سه رکعت نماز با یک سلام یا یک رکعت نماز با یک سلام بجا آورد اگرچه هیئات این دو نماز مخالف هیئات نمازهای متعارف شرع نیست	در صحت نذر تأمل کرده اند و اکثر صحیح میدانند	اگر شخصی نذر کند که نماز عید یا نماز آیات مثلاً در غیر وقت عید یا غیر وقت کسوف بجا آورد	نذرش صحیح نیست
اگر شخصی نذر کند که دو سجده بجا آورد	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که رکوع یا تکبیر احرامی بجا آورد	نذرش صحیح نیست
اگر زن حایض یا جنب نذر کند که دو رکعت نماز بعد از پاک شدن از حیض و غسل بجا آورد چون هیئات نذر مشروع و وقت واقع ساختن آن نیز مشروع است که بعد از پاک شدن و غسل باشد	نذرشان صحیح است هرچند که واقع ساختن آن در وقت نذر مشروع نیست	و اگر نذر کند که در حال حیض یا جنابت مثلاً دو رکعت نماز بجا آورد یا سوره سجده بخواند اگرچه هیئات نذر مشروع است اما چون وقت واقع ساختن آن مشروع نیست	نذرشان صحیح نیست
اگر شخصی نذر کند که اگر فعل واجبی را ترک کند زجراً دو رکعت نماز بکند	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که اگر فعل واجبی را ترک کند شکراً دو رکعت نماز بجا آورد	نذرش صحیح نیست
و اگر نذر کند که اگر فعل واجبی را بجا آورد شکراً دو رکعت نماز بکند	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که اگر فعل واجبی را بجا آورد زجراً دو رکعت نماز مثلاً بجا آورد	نذرش صحیح نیست
اگر شخصی نذر کند که اگر فعل حرامی کند زجراً دو رکعت نماز مثلاً بجا آورد	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که اگر فعل حرامی را بجا آورد شکراً دو رکعت نماز مثلاً بکند	نذرش صحیح نیست
و اگر نذر کند که اگر ترک حرامی کند شکراً مثلاً دو رکعت نماز بکند	نذرش صحیح است	و اگر نذر کند که اگر ترک حرامی کند زجراً دو رکعت نماز بکند	نذرش صحیح نیست
و اگر شخصی نذر کند که دو رکعت نماز نشسته یا سواره یا در حال راه رفتن بکند یا سوره نخواند و هر چیز که مانع آن باشد	نذرش صحیح است	و اگر شخصی نذر کند که در روز عید رمضان یا عید قربان روزه بدارد و این مسئله مناسب ... [illegible]	نذرش صحیح نیست

و اگر شخصی دو رکعت نماز مثلاً در وقت معینی نذر کند و واقع ساختن آن در آن وقت مشروع باشد واجب است که آن را در آن وقت بجا آورد و اگر عمداً آن را در آن وقت نکند باید که هم قضای آن را بجا آورد و هم کفاره بدهد بقول شهید علیه الرحمه

و اگر شخصی نماز واجبی را نذر کند مثل آنکه یکی از نمازهای واجبی یومیه را نذر کند وجوب آن مؤکد گردد پس اگر آن را بجا نیاورد کفاره بر او لازم گردد و چون کفاره بدهد گناه مخالفت نذر تخفیف یابد اما گناه ترک نماز بحال خود باقیست و بکفاره دادن تخفیف نیابد موافق قول شیخ بهاء الدین محمد علیه الرحمه

و اگر شخصی نذر کند دو رکعت نماز از نمازهای نافله را بعضی از مجتهدین را مذهب آنست که واجبست که در هر رکعتی بعد از فاتحه سوره بخواند و جمعی که در نماز نافله خواندن سوره را واجب نمیدانند ... [illegible] و این از قول شیخ بهاء الدین علیه الرحمه نقل شد تمام احکام نماز نذر و شبه نذر

فصل هفتم در بیان نمازی که از پدر فوت شده باشد و بر پسر بزرگتر قضای آن واجب گردد و در این فصل سه مسئله است

مسئله اول

واجب است بر ولی که قضا کند نمازهای که فوت شده باشد از پدر و اما نمازی که از مادر یا سایر اقارب فوت شده باشد قضای آن بر وارث واجب باشد یا نه اکثر علما بر آنند که واجب نباشد و بعضی از علما قایل بوجوب آن نیز شده اند

مسئله دویم

بر ولی واجب است که قضای نماز فوت شده پدر را بجا آورد و ولی پسر بزرگ میت است بقول اکثر علما و بعضی گفته اند که قضای نماز میت واجبست بر هر وارثی هر گاه که میت را پسر بزرگتر نباشد و اگر میت را دو پسر باشد که هر دو در سن مساوی باشند واجبست که نماز میت را بالسویه قضا کنند و اگر یک نماز باقی بماند ... [illegible] ... واجب کفائی گردد

مسئله سیم

واجب میشود قضای نمازهای فوت شده پدر بر پسر بزرگتر بسه شرط چنانکه در جدولهای بعد از این مذکور میگردد و آنچه از این شروط خلاف ... ذکر خلاف نموده در جدول شروط مذکور این است

شرط اول

واجب است بر پسر بزرگتر قضا کردن آن نمازی که در مرض موت از پدر فوت شده باشد نه نمازهای دیگر موافق قول بعضی از علما و بعضی دیگر گفته اند که نمازی که از پدر بسبب عذری فوت شده باشد بر پسر قضای آن واجب کرده اند نه نمازی که عمداً از او فوت شده باشد ... [illegible] ... و قول دیگر آنست که نمازی که از پدر فوت شده باشد قضای آن بر پسر واجب گردد مطلقاً و قول اخیر برای شهید اول علیه الرحمه احوط است

شرط دویم

واجب میشود قضای نماز پدر بر پسر بزرگتر هر گاه که پدر وصیت نکرده باشد که شخصی را بجهت گذاردن نماز استیجار نمایند که اگر پدر وصیت کرده باشد و وصیت او نافذ باشد قضای آن از پسر بزرگتر ساقط گردد و اگر پدر وصیت کند که شخصی را استیجار کنند که بعضی از نماز فوت شده او را قضا کند واجب است که قضای باقی آن را پسر بزرگتر بجا آورد موافق قول شهید ثانی علیه الرحمه

شرط سیم

بعضی از علما گفته اند که اگر پسر بزرگتر در وقت فوت پدر بالغ و عاقل باشد واجب میشود که قضای نماز فوت شده پدر را بجا آورد و اگر بعد از فوت پدر بالغ یا عاقل شود قضای نماز پدر بر او واجب نیست و این قول موافق رای شهید است در کتاب ذکری و بعضی از علما بالغ و عاقل بودن ولی را شرط نمیدانند در وقت فوت پدر بلکه میگویند اگر ولی بعد از فوت پدر بالغ یا عاقل شود واجب میشود که نماز فوت شده پدر را قضا کند

و لازم نیست که پسر بزرگتر مشغول الذمه نباشد بنماز واجبی تا قضای نماز پدر بر او واجب گردد برای شهید ثانی و اما بر پسر بزرگتر واجبست که مقدم دارد آن نماز را که سبب آن مقدم باشد چنانکه شهید در ذکری گفته است که باید رعایت ترتیب نماید و اما پسر بزرگتر میتواند که شخصی را باجاره بگیرد که نماز فوت شده پدر را که بر او واجب شده قضا نماید بخلاف شهید در ذکری منع آن فرموده و برای شهید ثانی آنست که حکم مخصوص بولی باشد

فصل هشتم در بیان نمازی که بسبب اجاره واجب گردد و واجب میشود نماز بسبب اجاره خواه بوصیت میت شخصی را باجاره بگیرند و خواه میت وصیت نکرده باشد و ... شخصی را باجاره گرفته باشد که قضای نماز میت را بجا آورد و چون شخصی را بجهت قضای نماز میت باجاره بگیرند باید که وجه اجاره را از ثلث ... میت اخراج نمایند بقول بعضی از علما و گفته اند که اگر میت وصیت نکند بر ورثه اخراج آن لازم نیست و بعضی از علما بر آنند که وجه اجاره نماز مطلق و وجه اجاره حج از اصل ترکه باید داد خواه میت وصیت کرده باشد و خواه نکرده باشد و مسائل ضروری نماز اجاره چهار مسئله است چنانکه در این جدول بیان میشود و جدول این است

مسئله اول

هر گاه شخصی را باجاره بگیرند که قضای نماز میت را بجا آورد باید که عادل باشد و مسائل ضروری نماز را بداند و عاجز از بعضی افعال نماز مثل قیام و غیر آن نباشد

مسئله دویم

واجب نیست بر آن شخصی که خود را باجاره میدهد که قضای نماز میت را بگذارد که بعد از وقوع اجاره علی الفور بآن اشتغال نماید یا اکثر اوقات بآن مشغول باشد بلکه همین قدر کافیست که بعض اوقات بآن مشغول باشد بحیثیتی که بحسب عرف گویند که بآن اشتغال دارد و کاهلی نمیکند

مسئله سیم

جایز است که دو شخص یا زیاده بر آن بجهت نماز یک شخص باجاره گیرند اما باید که وقت نماز هر یک از آن جماعت معین باشد تا دیگری در آن وقت بقضای نماز آن میت اشتغال ننماید و نماز او بترتیب قضا شود

مسئله چهارم

هر گاه مرد خود را بجهت نماز زن باجاره دهد مخیر است میان جهر و اخفات و همچنین اگر زن خود را بجهت نماز مرد باجاره دهد بشرط آنکه اگر جهر کند نامحرم آواز او را نشنود و این چهار مسئله موافق قول شیخ بهاء الدین محمد است علیه الرحمه

